

Future Challenges of Sex Education in Translated Stories

Mahmoud Saeedi Rezvani *, Fatemeh Gholami **

Alireza Rasouli ***

Abstract

Due to the special importance of the future of sexual education of children and adolescents, as well as the significant influence of the audience on story books, the pathology of sexual education in humorous translation story books was considered. The present study was conducted with a normative futures research approach and a qualitative content analysis method. The statistical population also identified the translated storybooks by Hopa Publications, and seven volumes of the collection of short stories "Stories with Parents and Tom Gates", which were published in 1398, were purposefully selected. The criterion of description in the analysis of selected books, based on the components of sexual education extracted in the report of Saeedi Rezvani (2017) was considered as "Development of a guide to the curriculum of primary education". The context unit, paragraph and registration unit were also included in the content of each paragraph (texts or images showing harm in one of the sub-components of sex education). A total of 1997 pages were examined and from the analysis of the data, 25 subcategories were discovered, which were classified into four categories with the titles of "worthless parents", "descent of adults", "sexual norm-breaking" and "the spirit of immorality". The findings indicate that the audience of children and adolescents, by reading these storybooks, learn teachings contrary to the direction of Islamic sex education and these teachings will bring many challenges in the future. In the absence of foresight and the continuation of the current trend, the future of the sexual behavior of the future generation is expected to be even more endangered.

Keywords: Sex Education, Desirable future, Content Analysis, Translated story, Children and Adolescents

* Corresponding Author: Associate Professor, Faculty of Educational Sciences and Psychology, Director of Islamic Educational Group, Islamic Studies Research Institute in Humanities, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran.

** MSc, Educational Management of Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran.

*** Master of Nuclear Science, Sex Education Researcher and Fiction Critic, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran

شاپا چاپی: ۳۶۷۴ - ۲۷۱۷
شاپا الکترونیکی: ۳۶۶۶ - ۲۷۱۷

نشریه علمی
آینده پژوهی انقلاب اسلامی

(زمستان ۱۴۰۰، سال ۲، شماره ۴: ۴۶ - ۰۷)



چالش‌های آینده تربیت جنسی در داستان‌های ترجمه‌ای

محمود سعیدی رضوانی*، فاطمه غلامی**، علیرضا رسولی***

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۹/۲۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۲۱

چکیده

با توجه به اهمیت ویژه آینده تربیت جنسی کودک و نوجوان و هم‌چنین تأثیرپذیری قابل توجه مخاطب از کتاب‌های داستان، آسیب‌شناسی تربیت جنسی کتاب‌های داستان ترجمه‌ای طنز، مدنظر قرار گرفت. پژوهش حاضر، با رویکرد آینده‌پژوهی هنجاری و به روش تحلیل محتوای کیفی از نوع هدایت‌شده انجام گرفت. جامعه آماری نیز، کتاب‌های داستان ترجمه‌شده توسط انتشارات هوپا مشخص گردید و هفت جلد از مجموعه داستان‌های «قصه‌های با پدر و مادر و تام‌گیتس» که در سال ۱۳۹۸ به چاپ رسیده‌اند، به صورت هدف‌مند انتخاب شدند. معیار توصیف در تحلیل کتاب‌های منتخب، براساس مؤلفه‌های تربیت جنسی استخراج‌شده در گزارش سعیدی رضوانی (۱۳۹۶) با عنوان «تدوین راهنمای برنامه درسی تربیت جنسی دوره ابتدایی» در نظر گرفته شد. واحد زمینه، پاراگراف و واحد ثبت نیز، مضمون هر پاراگراف (متن‌ها یا تصاویر نشان‌دهنده آسیب در یکی از زیرمؤلفه‌های تربیت جنسی) لحاظ گردید. در مجموع ۱۹۹۷ صفحه مورد بررسی قرار گرفت و از تجزیه و تحلیل داده‌ها، ۲۵ زیرطبقه کشف گردید که در چهار طبقه با عناوین «والدین بی‌ارزش»، «هبوط بزرگترها»، «هنجارشکنی جنسی» و «روحیه اباحی‌گری» طبقه‌بندی شد. یافته‌ها حاکی از آن است که مخاطبان کودک و نوجوان، با مطالعه این کتاب‌های داستان، آموزه‌هایی در خلاف جهت تربیت جنسی اسلامی فرامی‌گیرند و این آموزه‌ها، چالش‌های متعددی را در آینده آن‌ها به همراه خواهد داشت. در صورت عدم آینده‌نگری و ادامه روند فعلی، انتظار می‌رود آینده رفتار جنسی نسل آینده‌ساز، بیش از پیش به مخاطره افتد.

کلیدواژه‌ها: تربیت جنسی؛ آینده مطلوب؛ تحلیل محتوا؛ داستان ترجمه‌ای؛ کودک و نوجوان.

* نویسنده مسئول: دانشیار، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، مدیر گروه پژوهشی تعلیم و تربیت اسلامی، پژوهشکده مطالعات

Saeedy@um.ac.ir

اسلامی در علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

** کارشناس ارشد مدیریت آموزشی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

*** کارشناس ارشد فیریک هسته‌ای، پژوهشگر تربیت جنسی و منتقد ادبیات داستانی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

Mr.rasouly@gmail.com

مقدمه

آینده‌پژوهی^۱ یکی از ابزارهای نوین شناسایی و برنامه‌ریزی، برای مقابله با بحران‌های آینده است. آینده‌پژوهی در پی آن است که با نگاهی فاعلانه به آینده، بحران‌های آتی را کنترل و مهار کرده و هزینه‌های ناشی از غافل‌گیری را در مواجهه با بحران‌ها کمینه سازد (نژادی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۶۲). آینده‌پژوهی منعکس می‌کند که چگونه از دل تغییرات «امروز»، واقعیت «فردا» متولد می‌شود (وقوفی، ۱۴۰۰: ۶۰). به زعم وندل بل^۲، آینده‌پژوهی در پی شناسایی، ابداع، ارائه، آزمون و ارزیابی آینده‌های ممکن و محتمل است تا بر پایه ارزش‌های جامعه، آینده‌های مرجح را انتخاب کند (حاکمی و همکاران، ۱۴۰۰: ۶۶). این ابزار نوین، مشتمل بر مجموعه تلاش‌هایی است که منجر به طراحی و ساخت آینده‌های مطلوب و چشم‌انداز آرمانی می‌شود (عرب‌بافرانی و عیوضی، ۱۴۰۰: ۹). یکی از چشم‌اندازهای آرمانی، دست‌یابی به حیات طیبه و تشکیل جامعه مهدوی می‌باشد و این امر جز با تمرکز بر تربیت مطلوب انسان میسر نمی‌گردد.

خداوند متعال، انسان را بدون نقص و در بهترین شکل ممکن آفریده است؛^۳ اما شکی نیست که انسان پاک‌فطرت، تحت تأثیر شرایط نامطلوب فردی، خانوادگی، محیطی، اجتماعی و ...، از مشکلات متعدد اخلاقی مصون نخواهد بود و در این صورت، از حرکت در مسیر درست باز خواهد ایستاد. از این رو، برای داشتن نسلی مطلوب در آینده، نیازمند تلاشی مجدانه در جهت تعلیم و تربیت خواهیم بود؛ چراکه تعلیم و تربیت، اساساً فعالیتی آینده‌نگر و به معنای پرورش نسل‌های آینده است (اشرافی و زاهدی، ۱۳۹۲). تربیت انسان شایسته، ساحت‌های مختلفی دارد و تربیت جنسی یکی از مهم‌ترین ساحت‌هاست. شرایط کنونی امروز و آشفتگی‌های آن نیز، لزوم توجه به تربیت جنسی را برای جلوگیری از صدمه‌های اخلاقی، اجتماعی، شخصیتی و ...، بیش از پیش نمایان کرده است (محمدی‌پویا و همکاران، ۱۳۹۸: ۳۲۴). ویژگی امر جنسی آن است که

1. Futurology
2. Wendell Bell

۳. «فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ»: سوره مؤمنون، آیه ۱۴.

گرچه از خصوصی‌ترین امور هر فرد به‌شمار می‌رود؛ اما در تمام ابعاد تعلیم و تربیت ریشه دارد (سعیدی‌رضوانی، ۱۳۹۷: ۱۶۱). تربیت جنسی صحیح، رفتار جنسی سالم و مناسب را براساس آموزه‌های دینی، تبیین و درونی می‌نماید (سعیدی‌رضوانی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۶۴) و غفلت از این بُعد تربیتی، می‌تواند آسیب‌های زیادی به‌همراه داشته باشد (قلتاش و محمدجانی، ۱۳۹۷: ۱۰۲)؛ کودکان را به ورطه فساد و تباهی کشانده و موجب بروز انحرافات در دوران بلوغ و نوجوانی آنان شود (محمدی‌پناه و همکاران، ۱۴۰۰: ۲۲۴).

فرآیند تربیت جنسی تنها اقدامات ناظر به اصلاح و هدایت، بعد از ارتکاب و ابتلا به انحرافات جنسی نیست؛ بلکه مجموعه اقدام‌هایی است که ناظر به هر دو مرحله پیشگیری و درمان است (فرع‌شیرازی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۴۷) از این‌رو، می‌توان اذعان داشت در کشور ایران، با نظر به رسالت افراد در راستای عبد صالح بودن، دست‌یابی به حیات طیبه و هم‌چنین براساس شاخص‌های سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، ضرورت توجه به امر تربیت جنسی، بیش از پیش نمایان می‌گردد (محمدی‌پویا و همکاران، ۱۳۹۸: ۳۰۸). تربیت جنسی، بسته به هنجارهای فرهنگی هر منطقه و هر کشور، می‌تواند متفاوت باشد (تربیتی و همکاران، ۱۳۹۸: ۷۹) و طبیعتاً این فرآیند در جامعه ایران، با توجه به مبانی و آموزه‌های اسلامی، با آموزه‌های رایج در کشورهای غربی کاملاً متفاوت است (بامری و سالارزایی، ۱۳۹۷: ۷۴).

تربیت جنسی در چگونگی شکل‌گیری شخصیت، افکار، عواطف و رفتارهای نوجوانان تأثیر زیادی دارد (طهماسب‌زاده‌شیخ‌لار و همکاران، ۱۳۹۹: ۲۳۲) و به‌طور کلی، دوره کودکی و نوجوانی، دوره فراگیری آموزش زیربنایی و اساسی، پایه‌گذاری عادت‌ها، روابط کودک با دیگران و آغاز پیدایش پاره‌ای از لغزش‌ها و انحراف‌هاست (محمدیگی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۴۷)؛ زیرا روحیه انسان در ابتدا، حکم ماده شل و قابل‌انعقاد مثل گچ را دارد و زمانی که این ماده شل است، آن را در هر قالبی که بریزیم، همین‌که سرد شد، همان شکل را می‌گیرد و سفت می‌شود. می‌گویند روح انسان در زمان کودکی حالت قابل‌انعطافی دارد و مانند همان ماده شل است و هرچه انسان بزرگتر شود، قابلیت انعطاف آن کمتر می‌شود. اینکه گفته‌اند: «الْعِلْمُ فِي الصَّغَرِ

كَالْتَّقَشِّ فِي الْحَجَرِ^۱ اختصاص به علم ندارد، بلکه باید گفته شود: «التربیه فی الصَّغَرِ كَالْتَّقَشِّ فِي الْحَجَرِ» (مطهری، ۱۳۸۲: ۷۸). انسان در سنین دوم کودکی^۲، براساس رهیافتِ فقهی فقها نیز، قطعاً دارای بیداری جنسی است؛ بنابراین باید این سنین، در برنامه‌های تربیت جنسی، از طرف خانواده و حاکمیت مورد توجه جدی قرار گیرد (فرع شیرازی و همکاران، ۱۴۰۰: ۲۱۵)؛ چراکه شکل‌گیری هویت جنسی کاملاً اکتسابی بوده و آموزه‌های رسمی و غیررسمی، عامل مؤثر در این شکل‌گیری هستند (یزدانی و سهرابی شگفتی، ۱۳۹۷: ۹۸). علاوه بر این، تربیت جنسی می‌تواند از منظر تمامی رویکردهای برنامه درسی، باعث نیل به آرمان‌های تربیتی شود مانند کنار آمدن با خود و شکل‌گیری هویت و عزت نفس و به دنبال آن، نیل به استعلا و روحانیت، تعامل بایسته با جنس مخالف و ایفای نقش شهروندی، همسری، والدینی، همکاری متأثر از یادگیری نقش جنسیتی و ... (قلاوند و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۱۳).

تربیت جنسی مانند ابعاد دیگر تربیت، وابسته به ملاک‌ها، هنجارها و ارزش‌های حاکم بر جامعه و چگونگی آن، نشأت گرفته از شرایط جامعه است (شیرینی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۲۸) از این رو، در عصر حاضر و با توجه به رویکردهای نوین تربیتی، بهره‌گیری از ابزارها و ضرورت استفاده از روش‌های هنری نظیر فیلم، انیمیشن و کتاب، احساس می‌گردد. در این میان نقش و اهمیت کتاب‌های داستان، در انتقال مفاهیم مختلف، شکل‌دهی باورها و ارزش‌ها، افزایش دانستنی‌ها و ایجاد بینش‌ها و نگرش‌های متفاوت اخلاقی، بر کسی پوشیده نیست. به زعم پاندل (۱۹۹۰)، ادبیات داستانی، بار تعلیم و تربیتی باارزشی برعهده دارد (بیگدلی و الهی، ۱۳۹۴: ۹۲)؛ زیرا سرمایه فرهنگی که از این طریق کسب می‌شود، توانایی و ظرفیت بیشتری را در جهت تحقق بخشیدن به امکان‌های فردی و اجتماعی فراهم می‌آورد (برخورداری و مدنی، ۱۳۹۵: ۹۴). افلاطون^۳ در کتاب جمهوریت می‌گوید: «باید پرستاران و مادران متوجه باشند، پرورشی که روح اطفال به وسیله

۱. حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «دانستن در کودکی مانند نقش بستن چیزی در سنگ است»؛ بحار الأنوار:

۱/۲۲۴/۱۳.

۲. معمولاً در روان‌شناسی رشد، بین شش تا دوازده سالگی تعیین کرده‌اند.

3. Plato

حکایات حاصل می‌کند، به مراتب بیش از تربیتی است که جسم آن‌ها به وسیله ورزش پیدا می‌کند» (علوی و حاج‌غلامرضایی، ۱۳۹۱: ۱۱۶). قرآن نیز، به عنوان اصلی‌ترین متن دینی در اسلام، از داستان، بهره‌های فراوانی برده است (مهاجری و همکاران، ۱۳۹۲: ۴۶) و روش قصه، روش قرآنی هم محسوب می‌شود؛ زیرا ۶۳ سوره از ۱۱۴ سوره قرآن کریم، حاوی قصه و حکایت است (بیگدلی و الهی، ۱۳۹۴: ۱۰۳).

تعلیم و تربیت اگر در قالب داستان باشد، به این دلیل که در آن، از روش امر و نهی مستقیم استفاده نمی‌شود، پذیرش آن از سوی کودکان بیشتر است. داستان‌ها به دلیل بیان غیرمستقیم و دلالت‌های ضمنی، پیوند خوردن با عواطف و احساسات، بهره‌گیری از تخیل و عینی کردن موضوع در میزان گرایش مخاطبان و یادگیری آن‌ها، از آموزش‌های رسمی تأثیرگذارترند (سلطانی، ۱۴۰۰: ۴۶). داستان‌گویی شیوه‌ای است که در عین جذابیت و همراه کردن شنونده با خود، زمینه‌ای عاطفی برای قبول اغراض داستان را فراهم می‌کند (علوی و حاج‌غلامرضایی، ۱۳۹۱: ۱۱۶) از این رو، کتاب داستان، به عنوان ابزاری سودمند، می‌تواند والدین را در تربیت جنسی کودکان و نوجوانان، همراهی کند و پژوهشگران بسیاری نیز، بر نقش تأثیرگذار داستان، بر روی بینش، نگرش و رفتار کودکان و نوجوانان صحه گذارده‌اند.

از سوی دیگر، با توجه به آسیب‌ها و چالش‌های فضای مجازی برای کودکان و نوجوانان و هم‌چنین لزوم گسترش فرهنگ کتابخوانی، والدین بسیاری، از گرایش فرزندان خود به مطالعه کتاب استقبال می‌کنند و با اعتماد به کتب منتشر شده از سوی انتشارات معتبر، پرتیراژ و پرفروش، به طور مستقیم یا غیرمستقیم، زمینه مطالعه هرچه بیشتر کتاب‌های داستان را برای فرزندان خود فراهم می‌آورند؛ اما کتاب‌های داستانی که در دسترس کودکان و نوجوانان ایرانی قرار دارد، عمدتاً به صورت ترجمه بوده و فاقد اهداف تعیین شده در خصوص تربیت جنسی اسلامی می‌باشد از این رو، ضروری است برای ترسیم آینده‌ای مطلوب و در واقع آرمان‌شهر، معضلات آشکار و پنهان کتاب‌های داستانی، به عنوان یکی از مهم‌ترین ابعاد تربیت اسلامی، بیش از پیش مورد توجه والدین، مسئولان و پژوهشگران قرار گیرد. ما به عنوان یک مسلمان، با توجه به آیات و روایات

مربوط به این زمینه، تعاریف مشخصی از آرمان شهر داشته و با توجه به اعتقادات مسلمانان و به خصوص شیعیان، وظیفه اصلی یک شیعه، آماده سازی جامعه و خود برای چنین آرمان شهری است (افطاری و وقوفی، ۱۴۰۰: ۷۹)؛ اما با گسترش محتواهایی مغایر با تربیت جنسی اسلامی و در دسترس بودن آنها، در بین کودکان و نوجوانان، نمی توان نسبت به چنین آینده مطلوبی چندان خوش بین بود؛ اما از آنجا که آینده پژوه با رویکرد هنجاری و ارزشی، از بین آینده های بدیل^۱، به آینده های مطلوب و مرجح می اندیشد (افطاری و وقوفی، ۱۴۰۰: ۸۱)، در پژوهش حاضر سعی بر این است تا با توصیف و تبیین رویکرد و جایگاه تربیت جنسی در برخی از کتاب های ترجمه ای مربوط به گروه سنی کودک و نوجوان، به بیان آسیب ها و پیامدهای ناگوار آن در آینده پرداخته و خانواده ها و مسئولان را نسبت به محتوای مورد مطالعه فرزندان، حساس تر نموده و در این خصوص، تدبیر بهتری اندیشید.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

برخی از فیلسوفان بنام تعلیم و تربیت غربی نظیر دیویی^۲، در امر تربیت، به نیازهای حال کودک توجه خاص می کنند و اساساً در مطلوبیت از پیش تعیین شدن اهداف، تشکیک روا می دارند. بنابراین می توان گفت از نظر این افراد، امری با عنوان «اهداف غایی»، تقریباً بی معناست. مهم آن است که فعل تربیت به طور صحیح انجام شود؛ اما از منظر تربیت اسلامی، هدف غایی تربیت، در مقام برنامه ریزی، از هدف والای خلقت یعنی «عبادت» و به تعبیری، «معرفت» نشأت می گیرد.^۳ بنابراین، ابتدا بر اساس رویکرد نیازسنجی تشخیصی، اهداف تربیتی نظام آموزشی، از آموزه های دینی مربوط به انسان رشید، پذیرش «فطرت» مشترک انسانی، شرایط رشدی یک نوجوان ۱۸

۱. آینده های بدیل، حالت هایی از آینده است که با توجه به شدت و ضعف عوامل سازنده آنها، می توانند به صورت جایگزین هم پدید آیند.

۲. Dewey

۳. وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ: سوره ذاریات، آیه ۵۶.

ساله^۱ و مختصات اجتماعی استخراج می‌شود. سپس این اهداف، براساس نگاه روان‌شناسان رشد و جامعه‌شناسان، برای دوره‌های تحصیلی پیشین سه‌گانه^۲، متناسب‌سازی و مرحله‌بندی می‌شود. در مراحل بعدی، با لحاظ نیازهای ترجیحی و روان‌شناختی و بر پایه نظرات متخصصان، موضوعات درسی، معلمان، اولیا و دانش‌آموزان، اهداف پایه، برنامه‌های درسی و فعالیت‌های فوق‌برنامه، تعیین و تجارب یاددهی - یادگیری طراحی می‌شود^۳ و اما در مقام اجرا، دانش‌آموز از اولین ساعت ورود به مدرسه، تا آخرین ساعت خروج، با فعالیت‌هایی تحت‌تربیت قرار می‌گیرد. بنابراین در اسناد تحوّل‌ی تربیت در کشور ما، نظیر سند تحول و برنامه درسی ملی، نقش مبانی هستی‌شناسی، انسان‌شناسی، ارزش‌شناسی و معرفت‌شناسی اسلامی و به تبع تعیین اهداف غایی، کاملاً پُررنگ و غیرقابل‌انکار است.

در این ارتباط، هدف نهایی تربیت جنسی به‌عنوان بُعدی از ابعاد تربیت اسلامی (سعیدی‌رضوانی، ۱۳۹۹: الف)، همان هدف نهایی تعلیم و تربیت دینی، یعنی قرب الی الله و وصول به کمالات شایسته و رضوان الهی است (فقیهی، ۱۳۹۴: ۲۵). بخشی از محتوایی که در تربیت جنسی اسلامی بیان می‌شود، تبلیغ و تعریف و آگاه‌سازی مفاهیمی هم‌چون خویش‌داری و عفت و حیا است. در واقع، یکی از اهداف تربیت جنسی، عقیف کردن افراد و به تبع آن جامعه است (فرع‌شیرازی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۴۸). مؤلفه‌های «معاشرت و تعامل شایسته با جنس مخالف»، «عفت و پاکدامنی» و «رعایت حریم روابط در ارتباطات خانوادگی و اجتماعی» نیز از زمره مؤلفه‌های تربیت جنسی مستخرج شده از مبانی قرآن و روایت‌های معصومین (علیهم‌السلام) می‌باشند (قلتاش و محمدجانی، ۱۳۹۵). محمد غزالی، هدف تربیت جنسی را خویش‌داری از محرکات جنسی و حفظ شخصیت افراد عنوان می‌کند و خواجه نصیرالدین طوسی و ابن‌مسکویه

۱. پایان دوره دوم متوسطه

۲. دوره اول ابتدایی، دوره دوم ابتدایی و دوره اول متوسطه

۳. در واقع با لحاظ ترجیحات و نیازهای روان‌شناسی، تلاش می‌شود وضع دانش‌آموزان علاوه بر اهداف غایی در متن اهداف و محتوا مؤثر باشد.

نیز، بر مبنای مبانی عقلی دینی، هدف تربیت جنسی را ژهد، حیا، کنترل اجتماعی، اعتدال در قوه شهویه، دقت در نحوه پوشش و دقت در محیط معاشرت عنوان نموده‌اند (قبادیان و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۸۰) از این رو، غرض از تربیت جنسی اسلامی، پرورش، تعدیل و جهت‌دهی است؛ نه پروردن و اوج‌دادن (بامری و سالارزایی، ۱۳۹۷: ۷۴).

با لحاظ برنامه‌ریزی استراتژیک آموزشی نیز، انتظار می‌رود بازده‌های آموزش و پرورش، در سه سطح محصولات^۱، برون‌داد^۲ و نتایج^۳، بروز یابند و جالب توجه آنکه سطح نتایج یا پیامدهای تربیتی، می‌تواند مفهوم خطیری با عنوان «عاقبت‌بخیری» را پوشش دهد؛ بنابراین آموزش‌های دوران کودکی، آثار تربیتی را تا آخرین لحظه حیات و در واقع آینده زندگی دنیوی و از همه مهم‌تر، زندگی اُخروی را دربر خواهد داشت.

پژوهش‌های متعددی در خصوص تربیت جنسی و روش‌های گوناگون آن انجام شده است که هر یک، به جنبه‌ای از این فرآیند توجه کرده‌اند؛ اما تاکنون پژوهشی، به تحلیل کتاب‌های داستان در جهت بررسی آسیب‌های احتمالی محتوا بر روی مخاطب نپرداخته است. در عین حال در ادامه، برخی پژوهش‌هایی که به تحلیل محتوای تربیت معنوی، اخلاقی و جهادی کتاب‌های رده سنی کودک و نوجوان پرداخته‌اند، اشاره می‌شود. یافته‌های پژوهش یداللهی فر و همکاران (۱۳۹۹)، که با هدف تحلیل کتاب هدیه‌های آسمانی پایه پنجم، بر اساس میزان تأکید بر تربیت معنوی از دیدگاه امام خمینی (رحمه‌الله‌علیه) انجام گرفت، نشان داد که در ۴۴۸ جمله و ۴۲ تصویر، به مؤلفه‌های تربیت معنوی اشاره شده است. عابدینی بلترک (۱۳۹۹) در پژوهشی، با هدف بررسی جایگاه تربیت اخلاقی در کتاب‌های درسی دوره ابتدایی، ۱۲۴۷ صفحه از کتاب‌های هدیه‌های آسمانی و قرآن دوره ابتدایی را بررسی نمود و به این نتیجه رسید که تربیت اخلاقی آن‌طور که باید مورد توجه قرار نگرفته است. شرفی و همکاران (۱۳۹۹) نیز، با تحلیل محتوای ۹ کتاب دوره متوسطه اول، نشان دادند که توجه متعادل و جامعی به مؤلفه‌های تربیت جهادی در محتوای کتاب‌ها نشده

1. Products
2. Output
3. Outcome

است.

درخصوص تحلیل و بررسی کتاب‌های داستان نیز، به برخی از موارد بررسی شده اشاره می‌گردد. برای مثال، مقدم (۱۳۹۲)، پژوهشی را با هدف مطالعه داستان‌های بازنویسی شده از مثنوی برای کودکان و نوجوانان در سال‌های ۱۳۶۹ تا ۱۳۸۹ و شناسایی مشکلات آن‌ها با توجه به معیارهای بازنویسی، به روش تحلیل محتوا انجام داد و شماری از مهم‌ترین مشکلات از نظر کیفیت محتوا، ساخت و پرداخت، زبان، تصویر و شیوه ارائه، شناسایی شد. زارعی و صفری (۱۳۹۸)، با توجه به نظریات جامعه‌شناسی، به ویژه نظریات گلدمن، به تحلیل داستان «به کی سلام کنم» دانشور پرداخته و آن را در حوزه فرم و محتوا مورد بررسی قرار داده‌اند. زودرنج و رحمتی (۱۳۹۴) نیز به بررسی درون‌مایه داستان حضرت یوسف (علیه‌السلام) در قرآن پرداختند و نشان دادند درون‌مایه اصلی در این داستان، با یافتن سرخ‌هایی به دست می‌آید. هم‌چنین نیازی و محمدی (۱۳۹۱)، به تحلیل داستان «سیاه‌زنگی» اثر زکریا تامر، پرداختند که در فضایی سوررئالیستی رخ می‌دهد و به شیوه سیال ذهن روایت می‌شود و به این دلیل، شخصیت‌ها و حوادث داستان برگرفته از ناخودآگاه نویسنده‌اند.

با ذکر آنچه گذشت، اکثر تحقیقات مربوط به تحلیل محتوا، اساساً به کتاب‌های درسی و ابعاد دیگر تربیت پرداخته‌اند و مطالعات مربوط به داستان‌های اجتماعی و اخلاقی نیز، عمدتاً مربوط به شیوه داستان‌نویسی، بررسی ساختار و نقاط برجسته کتاب، درهم‌آمیختگی هنر و ادبیات، ریشه‌کاوی داستان، کشف خط فکری نویسنده و تحلیل روان‌کاوانه داستان می‌باشد و این درحالی است که پژوهشگران در پژوهش حاضر، اهتمام خود را به استخراج آسیب‌های کتاب‌های ترجمه‌ای، در حوزه تربیت جنسی معطوف نموده‌اند و به منظور آشکارسازی تبعات منفی این‌گونه کتاب‌ها در آینده مخاطبان آن، به طور مستقیم به آسیب‌شناسی داستان‌های ترجمه‌شده با اتخاذ چارچوبی مشخصی پرداخته‌اند.

روش پژوهش

در یکی از قدیمی‌ترین دسته‌بندی‌های روش آینده‌نگری که توسط تهرانیان (۱۳۵۵) ارائه

شده، هشت دسته برای روش های آینده پژوهی بیان شده است که «آینده آفرینی یا هنجاری» یکی از این دسته هاست. در آینده آفرینی، فرض بر این است که یکی از عوامل اساسی آینده و شکل گیری آن، اراده و آگاهی انسانی و ارزش هایی است که این اراده بر آن تکیه دارد. بر این اساس، ارزش های حاکم بر جامعه احصا شده و سرانجام از بین منظومه ارزش های گوناگون، راه ساختن آینده مطلوب انتخاب می شود (عرب بافرانی و عیوضی، ۱۴۰۰: ۲۰). مبنای این روش، ارزش ها و هنجارهاست. در این نوع پیش بینی، این سؤال مطرح می شود که چه آینده ای را می خواهیم؟ روش های هنجاری بیشتر مأموریت گرا هستند و با ارزیابی مقاصد، نیازها و تمایلات آینده شروع می شوند و به زمان حال بازمی گردند (حیدری پور و حاکمی، ۱۳۹۹: ۲۲۷) بنابراین، به دلیل اسلامی بودن جامعه ایران، نیاز است که هنجارها و ارزش های موردانتقال به نسل آینده را، مطابق با فرهنگ و مبانی دینی گزینش نمود و محتواهای ارائه شده به کودکان و نوجوانان نیز، منطبق با این مبانی باشد. به زعم گلن و گوردون^۱ (۲۰۰۹)، تنوع قابل توجه روش هایی که در آینده پژوهی وجود دارد، به درک جهان جایگزین آینده کمک می کند و یکی از این روش ها که از رشته های مختلف اتخاذ شده، تحلیل محتوا می باشد (نژادی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۶۶) از این رو، پژوهش حاضر در پی آن است که بعد از تبیین نقش تعلیمی و تربیتی داستان های ترجمه ای کودک و نوجوان، به این پرسش پاسخ دهد که مهم ترین مفاهیم، آسیب ها و چالش های آینده تربیت جنسی داستان های ترجمه ای گروه سنی کودک و نوجوان کدام است. بدین منظور سعی گردید به شیوه تحلیل محتوا، هفت کتاب داستان منتشر شده توسط انتشارات هوپا - مخصوص رده سنی یادشده - که درون مایه های اخلاقی، تربیتی و سرگرمی دارند، بررسی و محتواهای ارائه شده استخراج و آسیب شناسی شود.

تحلیل محتوا، تکنیکی پژوهشی برای استنباط تکرارپذیر و معتبر از داده ها، درباره متن آن هاست (کریپندورف^۲، ۱۳۹۰: ۲۵). تحلیل محتوای کیفی را می توان روش تحقیقی برای تفسیر ذهنی محتوایی داده های متنی از طریق فرآیندهای طبقه بندی نظام مند، کدبندی و تم سازی یا

1. Glenn & Gordon
2. Krippendorf

طراحی الگوهای شناخته‌شده دانست (ایمان و نوشادی، ۱۳۹۰: ۲۰). این روش در ساده‌ترین شکل، به بیرون کشیدن مفاهیم موردنیاز پژوهش، از متن مورد مطالعه می‌پردازد (صارمی‌نیا و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۷۵). رویکرد تحلیل محتوای پژوهش حاضر، «هدایت‌شده»^۱ انتخاب شد. در این رویکرد، اساس تحلیل را نظریه‌های موجود یا نتایج پژوهش‌های پیشین، به‌عنوان کدهای اولیه و راهنما تشکیل می‌دهند (فائدی و گلشنی، ۱۳۹۵: ۷۲). تحلیل محتوا به‌عنوان یک روش دارای مراحل انتخاب جامعه آماری، معیار توصیف، انتخاب یک طبقه‌بندی براساس معیار توصیف، تعیین واحد ثبت، تشخیص عناصر هر طبقه و پردازش اطلاعات و نتیجه‌گیری است (حافظی، ۱۳۹۶: ۱۴۲). جامعه آماری این پژوهش که به‌صورت هدفمند انتخاب شده‌اند، کتاب‌های چاپ‌شده توسط انتشارات هوپا می‌باشند که با تیراژ بالا و چاپ‌های متوالی در سال ۱۳۹۸ همراه بوده است. کلیه کتاب‌ها در قطع رقعی می‌باشد.

جدول ۱. مشخصات کتاب‌های تحلیل‌شده

ردیف	نام کتاب	نویسنده / مترجم	نوبت چاپ	تعداد صفحه	خلاصه‌ای محتوای کتاب
۱	تام گیتس (بخوانید و بزیند زیر خنده) ^۲	ترجمه: زینب زکریا / نویسنده: تام گیتس	۵۹	۲۳۸	تام، شخصیت اصلی دو جلد از مجموعه کتاب تام گیتس، پسری در مقطع ابتدایی می‌باشد که با والدین و خواهر بزرگتر خود دلیا زندگی می‌کند. تنها سرگرمی تام، تلاش برای تشکیل گروه موسیقی راک، آزار خواهر، تمسخر دوستان همکلاسی و بزرگترهایش، با کلمات، رفتار و هم‌چنین کشیدن نقاشی است. تام و دوستش درک، تقریباً بیشتر وقت خود را صرف تمرین

1. Directed

۲. کتاب یادشده، طبق تصاویر پشت جلد و بررسی‌های صورت‌گرفته، حداقل ۱۵ جلد و احتمالاً با مضامین و محتواهای مشابه دارد.

ردیف	نام کتاب	نویسنده / مترجم	نوبت چاپ	تعداد صفحات	خلاصه‌ای محتوای کتاب
۲	تام گیتس (بهانه‌های عالی)		۴۳	۳۴۱	موسیقی راک و حواشی مربوط به آن می‌کنند. تنها جذابیت مدرسه برای تام، پرداختن به امور شخصی هنگام تدریس معلمان و جلب توجه دختر همکلاسی‌اش امی می‌باشد.
۳	چگونه پدر و مادر خود را تربیت کنیم	ترجمه رضی / ۱۵ تیرماه / ۱۴۰۰	۱۵	۲۴۲	در هر پنج جلد از مجموعه داستان‌های با پدر و مادر، داستان لویی ۱۲ ساله ارائه شده است. لویی پسری طناز، ناراضی، پرخاشگر و در عین حال خلاق، به همراه والدین و برادر کوچکترش الیوت زندگی می‌کند. وی مدی، دختر تقریباً همسن و سال خودش را به عنوان مشاور و دوست خود برگزیده است. روابط عاطفی و نگاه کم‌و‌بیش جنسی لویی به مشاور خود، در تمام پنج داستان بارز است. لویی به عنوان شخصیت اصلی این پنج داستان، صرفاً با دخترها ارتباط می‌گیرد. او به شدت مدرسه‌گریز و علاقه‌مند به کم‌دین شدن و حضور در برنامه‌های تلویزیونی و ماهواره‌ای است و تمام زندگی‌اش بر این مدار می‌چرخد. او برادر کوچکتر خود را میکروب متحرک می‌داند. ادبیات لویی در خاطرات نویسی و گفتار با پدر و مادر و اطرافیان گستاخانه و سخیف است.
۴	چگونه پدر و مادر خود را به روزرسانی کنیم؟	ترجمه مهدی / ۱۵ تیرماه / ۱۴۰۰	۷	۲۹۹	
۵	چگونه سر پدر و مادر خود را گول بمالیم؟		۵	۲۸۶	
۶	پدر و مادرم دیوانه‌ام کرده‌اند		۶	۲۹۳	
۷	پدر و مادرم زده‌اند به سیم آخر		۸	۲۹۸	

در گام بعدی معیار توصیف، با توجه به مؤلفه‌های تربیت جنسی مطرح شده در گزارش سعیدی رضوانی (۱۳۹۶)^۱ مشخص گردید. در گزارش یادشده که «تدوین راهنمای برنامه درسی تربیت جنسی دوره ابتدایی» نام دارد، به جایگاه و اهمیت مؤلفه‌های خویشتن‌داری جنسی نظیر ایمان و حیا، وفای به عهد، نگرش و کنش در راستای تشخیص والدین، عاقبت‌اندیشی، صبر، غیرت و عزت‌نفس، در تربیت جنسی کودکان و نوجوانان پرداخته شده است. بر این اساس، معیارهای توصیف عبارتند از مضامین عدم مرجعیت بزرگترها، خانواده و به‌ویژه پدر و مادر^۲؛ مضامین مروج بی‌حیایی و ناقض غیرت‌ورزی؛ مضامین ترویج‌دهنده بی‌ایمانی و اباحی‌گری و مضامین مشعر بر ذلت‌نفس^۳ و ناقض صداقت^۴ و مؤید ناراستی.

در نهایت، واحد زمینه، پاراگراف و واحد ثبت نیز، مضمون لحاظ گردید. واحد ثبت می‌تواند یک حرف، کلمه، جمله، بخشی از صفحات، کلمات یا مضمون یک متن باشد که از مشاهده و مطالعه متن و تصویر یا مصاحبه به دست آمده است. در پژوهش حاضر، مضامین مغایر با معیار توصیف (زیرمؤلفه‌های تربیت جنسی)، در متن‌ها و تصاویر، مشخص و ثبت گردید. سپس عمل تجزیه و تحلیل صورت پذیرفت که فرآیندی انعکاسی و انعطاف‌پذیر، برای آشکارسازی ارتباطات داده‌هاست. پس از کدگذاری واحدهای معنایی متراکم و به دست آوردن تصویری کلی‌تر، سازمان‌دهی کدها ساده‌تر است؛ چون اساس کار این پژوهش، مطالعه متن و دریافت مضمون بوده است، نه ثبت کلمات مرتبط با موضوع (نظیر کارهای کمی) از این رو، تحلیل محتوای حاضر را می‌توان در شمار تحلیل محتوای کیفی قرار داد. هدف در تجزیه و تحلیل محتوای کیفی این

۱. این گزارش و مطالعه ۲۰۰ صفحه‌ای، به منظور بهره‌گیری از مفاد آن، به مبادی ذی‌ربط در وزارت آموزش و پرورش تقدیم شده است.

۲. درک جایگاه والدین، باعث پذیرش آن‌ها به عنوان مرجع اصلی، در خصوص مشکلات جنسی و اعتماد به راه‌کارهای پیشنهادی ایشان خواهد شد.

۳. با پرورش صحیح عزت‌نفس، می‌توان به نحو مطلوبی مانع بروز بسیاری از انحرافات و بزه‌های جنسی شد.

۴. تربیت روحیه وفای به عهد از کودکی می‌تواند بسترساز وفا به پیمان زناشویی در دوران بزرگسالی و در نتیجه جلوگیری از فساد جنسی باشد.

است که به طور سیستماتیک حجم زیادی از متن را به یک خلاصه بسیار سازمان یافته و مختصر از نتایج کلیدی تبدیل کند (ارلینگسون و برسیویچ^۱، ۲۰۱۷). در گام آخر و بعد از تجزیه و تحلیل ها و انجام طبقه بندی ها، اطلاعات حاصل از تحلیل های صورت گرفته، پردازش گردید.

مزیت پژوهش های تحلیل محتوا، غنای داده های جمع آوری شده است و داده ها باید به روشی معتبر و قابل اعتماد، تفسیر و کدگذاری شوند (الو و همکاران^۲، ۲۰۱۴: ۵). در تحلیل محتوا، هنگامی اعتبار معنایی بالایی به دست می آید که معانی زبان داده ها با معانی منبع و دریافت کننده، متناظر باشد (کرپیندورف، ۱۳۹۰: ۲۱۳). به زعم سندلوسکی^۳ (۱۹۹۳) نیز، نقل قول اصیل و مستقیم می تواند باعث افزایش اعتماد پذیری پژوهش شده و توجه خواننده را به این جلب کند که نتایج از چه داده ها، مقوله ها و کدهایی به دست آمده اند (مؤمنی راد و همکاران، ۱۳۹۲: ۲۱۶). علاوه بر این، انتخاب مناسب ترین حجم نمونه نیز، برای اطمینان از اعتبار مطالعه تحلیل محتوا اهمیت دارد (الو و همکاران، ۲۰۱۴: ۴) از این رو، محققان در مراحل مختلف پژوهش حاضر، نکات مطرح شده را در دستور کار خود قرار دادند و هم چنین به منظور غنابخشیدن به تفسیر یافته ها نیز، مقوله های مستخرج از سه کتاب تحلیل شده (کتاب های شماره ۱، ۲ و ۶)، شمارش گردید که در جدول ۳ ارائه شده است.

یافته های پژوهش

به دلیل کثرت مقوله های استخراج شده از یک سو و محدودیت در حجم مقاله از سوی دیگر، درصدی از مصداق های مربوط به مضامین مغایر با معیار توصیف، در جدول ۲ ارائه شده است.

1. Erlingsson & Brysiewicz
2. Elo et al.
3. Sandelowski

جدول ۲. مقوله‌ها/طبقه‌ها و زیرمقوله‌ها/زیرطبقه‌های کشف‌شده در تحلیل محتوا

مقوله‌ها	زیرمقوله‌ها	مصادق‌ها: شماره کتاب: شماره صفحه؛ متن ^۱
۱. والدین بی‌ارزش	۱. توهین به پدر	۴: ۲۵۰؛ رو به بابابزرگ و مامان‌بزرگ کردم: می‌شه بگین کلید خاموش کردن بابا کجاست؟
		۶: ۱۵؛ من بابا رو اخراج می‌کنم. بعد از یک روز؟ آره، کارش افتضاحه. می‌دونستم که گند می‌زنه.
		۷: ۱۷۲؛ کلی برنده آنجا بود. یکی‌شان هم بابا. او آمد بالا و جایزه‌اش را گرفت. به من گفتم: قیافه‌ات آشناست. پیش خودم گفتم: کاش قیافه تو آشنا نبود.
		۶: ۸؛ وقتی اتاقم رو دیدم خیلی ناراحت شدم. رفتم پایین و داد زدم: بابا تو داری واقعا شورش را درمی‌آوری!
		۴: ۵۲؛ بابا به حرف‌های من گوش نمی‌داد. حسابی مشغول روده‌درازی بود.
		۷: ۸۶؛ امشب انگار (پدر) رفته بود توی پوست یک دیوانه.
		۶: ۸؛ باورت می‌شود به خودش (بابا) زحمت نداده لیوان‌های کثیفم را ببرد طبقه پایین؟ صحت تبیلی است.
		۴: ۱۱۵؛ نظافتچی مون رفته مرخصی. راستش تنها کسی که باقی‌مونده به آدم سرخوشه که ادعا می‌کنه بابامه.
		۷: ۲۶؛ فکر کردم کابوس می‌بینم، مخصوصاً وقتی چشم‌هایم را مالیدم و مرد دیوانه‌ای (بابا) را دیدم که با لباس ورزشی و رجه‌وورجه می‌کرد.
		۳: ۶۲؛ سرم را بلند کردم و بابا را دیدم که عینهو خون‌آشامی که آماده حمله به قربانی بعدی‌اش باشد، رویم خم شده.
		۷: ۲۷؛ می‌توانستم صدای نفس‌نفس‌زدنش را پشت سرم بشنوم. انگار یک کنری در حال انفجار بود که داشت قل‌قل می‌زد. نزدیک خانه بودیم و بابا بلندبلند مثل آژیر خطر سروصدا می‌کرد.

۱. شماره ۱: تام‌گیتس؛ شماره ۲: تام‌گیتس؛ شماره ۳: چگونه پدرمادر خود را تربیت کنیم؛ شماره ۴: چگونه پدرمادر خود را به‌روزرسانی کنیم؟؛ شماره ۵: چگونه سر پدرمادر خود را گول بمالیم؟؛ شماره ۶: پدرمادرم دیوانه‌ام کرده‌اند؛ شماره ۷: پدرمادرم زده‌اند به سیم آخر.

مصادق‌ها: شماره کتاب: شماره صفحه؛ متن ^۱	زیر مقوله‌ها	مقوله‌ها
<p>۳: ۱۷۱؛ مامان یک‌بند استارت می‌زند که چیزی بگوید، اما هر بار وسط جمله خاموش می‌کند.</p> <p>۷: ۵۰؛ برگشتم دیدم مامان ایستاده توی چارچوب در اتاقم. حالا حالاها نباید برمی‌گشت؛ اما ظاهراً برگشته خانه که ببیند حال من چطور است. صحبت آب‌زیر کاه بودن است.</p> <p>۳: ۴۶؛ با خودم گفتم نکند مامان به‌جای بحران میان‌سال، حالش دگرگون شده. درباره این مشکل چیز زیادی نمی‌دانم، جز اینکه زن‌ها وقتی به چهل سالگی می‌رسند (که مامان هم رسیده) مشکل پیدا می‌کنند و هورمون‌های‌شان بگویی‌نگویی برای مدتی دیوانه می‌شوند.</p> <p>۴: ۳۳؛ مامان انگار خودت هم داری مسخره‌بازی درمی‌آری ...</p> <p>۳: ۵۴؛ مامان همین‌طور به سرک کشیدن توی کیفم ادامه می‌دهد. غلط نکنم به این کار معتاد شده.</p> <p>۵: ۵۷؛ نباید می‌گذاشتم اعصابم از طرز حرف‌زدن مامان به‌هم‌بریزد. عهد بوقی بودن چیز راحتی نیست.</p> <p>۱: ۶۲؛ مامان به مامان‌بزرگ می‌گوید من چرا دارم آشپزخانه را جارو می‌کنم. موندن تو کلاس ... ورور ... نقاشی بی‌ادبی ... ورور ... سیبیل ... ورور ...</p>	<p>۲. توهین به مادر</p>	<p>۱. والدین بی‌ارزش</p>
<p>۷: ۱۸۳؛ پدر و مادرها یا کسل و خسته‌کننده‌اند ... یا مایه عذابند. گزینه دیگری وجود ندارد.</p> <p>۵: ۹۶؛ بابا و مامانم تبدیل شده‌اند به یک ابر بدجنس.</p> <p>۳: ۱۰۹؛ عتیقه‌های من (والدین) یک تلفن همراه به من هدیه دادند.</p> <p>۵: ۴۷؛ نشستم پیش دو تا بشکه پر از بدبختی (پدر و مادر)</p> <p>۳: ۵۸؛ وقتی آدم طبقه پایین، بابا را دیدم که با شلوار ضایعش توی خانه بالا و پایین می‌رود ... مامان هم که پاک هیجانی شده. می‌ترسم این هم خودش نشانه بالاگرفتن دیوانگی بابا و مامان باشد.</p> <p>۷: ۳۵؛ به مامان و بابا گفتم می‌خواهم مدرسه‌ام را عوض کنم و برگردم به مدرسه قبلی. اولش یک لبخند پیریاتالی تحویلیم دادند ...</p> <p>۱: ۱۷۵؛ پدر و مادر من کله‌پوکند.</p> <p>۴: ۱۳۴؛ همه پدر و مادرها سرخوشند.</p> <p>۳: ۶۴؛ بی‌زارم از این رفتار عجیب بابا و مامان. مایک و پرو (همسایه‌ها) تعادل روانی‌شان را پاک به‌هم‌ریخته‌اند.</p>	<p>۳. دادن القاب و نسبت‌های نامناسب به والدین</p>	

مصادق‌ها: شماره کتاب: شماره صفحه؛ متن ^۱	زیرمقوله‌ها	مقوله‌ها
<p>۶: ۹؛ بابا خیلی شانس آورده که من به امداد بچه‌ها زنگ نزدم؛ اما باید دست از این کارهاش برداره.</p> <p>۳: ۷۸؛ سر بابا داد کشیدم و گفتم: معلم بی‌معلم. محال ممکنه و به‌دور رفتن طبقه بالا ... امروز بابا و مامان یک‌بار هم اسم معلم خصوصی را وسط نکشیدند. این هم به گمانم یک پیروزی کوچک برای من است.</p> <p>۵: ۱۱۷؛ وقتی تو و مامان روش تون رو عوض کردین و به دردل ما گوش دادین، بعدش ما موقتاً دست از این کارمون برمی‌داریم.</p> <p>۶: ۱۰۲؛ بابا گفت: ما بی‌اختیار یاد خاطرات قدیمی خودمون افتادیم و با این حرف‌ها مخت رو خوردیم. خیلی متأسفم. گفتم: عیبی نداره، فقط تکرار نشه.</p> <p>۵: ۱۲۴؛ راه رفتن با لباس خواب در خیابان به‌دلیل باج گرفتن از والدین: یک ماشین کنارمان نگه می‌دارد. بابا با صدای گرفته اصرار می‌کند: سوار شو لویی. جواب می‌دهم: خیلی لطف داری، ولی دارم با پیاده‌روی حال می‌کنم. مگه اینکه آماده شنیدن حرف‌های ... بابا داد می‌زند: فقط سوار شو!</p> <p>۶: ۱۲۷؛ مامان ... من دیگه نوجوونم، خیلی شانس آوردی که اصلاً باهات حرف می‌زنم.</p>	<p>۴. زورگویی و تهدید والدین</p>	<p>۱. والدین بی‌ارزش</p>
<p>۶: ۵۹؛ محکم گفتم: من دیگه می‌رم و شمارو به حال خودتون می‌ذارم که از خاطرات طلایی تون لذت ببرین ... از جایم بلند شدم. مامان گفت: بشین ما چند تا توصیه داریم برات. یواش گفتم: لازم نیست. مطمئنم شما کارهای بهتری دارین که انجام بدین. من هم دارم.</p> <p>۶: ۱۴؛ ترجیح میدم به‌جای سوپ بابا، چیز میزهای توی دماغم رو بخورم.</p> <p>۷: هیچ چیز وحشتناک‌تر از این نیست که بینی پدرت کلاه بیسبال سرش گذاشه، آن هم چپکی. معنی‌اش این نیست که من امروزی‌ام، من جوانم. از دور داد می‌زند: من زده‌ام به سیم آخر.</p> <p>۶: ۴۴؛ بابا گفت: داشتم سطل آشغال رو با شیلنگ می‌شستم. گفتم: حسابی جشن گرفتی؟! نه؟</p> <p>۵: ۱۰۱؛ بابا همان‌طور که داشت صدای واقعاً گوش‌خراشی را از توی نی لیکش درمی‌آورد، گفت این آهنگ سیمسون‌ها بود ... گفتم: بابا، صدای فین کردن من بیشتر شبیه آهنگ سیمسون‌هاست تا این.</p> <p>۴: ۱۲۹؛ بابا از خجالت مثل اسب‌رم کرده‌ای عقب‌عقب رفت.</p> <p>۵: ۷۲؛ آه سنگینی کشیدم: «تازگی‌ها چی تو اینترنت خونیدی؟» بابا یکم خجالت کشید، اما</p>	<p>۵. تمسخر و ملامت والدین</p>	

مقوله‌ها	زیر مقوله‌ها	مصادق‌ها: شماره کتاب: شماره صفحه؛ متن ^۱
۱. والدین بی‌ارزش	۵. تمسخر و ملامت والدین	مامان همین‌طور تخته گاز می‌رفت. ۶: ۴۶؛ بابا با ذوق و شوق و گفت: بی‌صبرانه منتظرش بودم؛ من و تو دوتایی ... فکر کردم می‌توانم کلاً ۵ دقیقه برای بابایم وقت بگذارم. هنوز حتی فیسبوکم را هم چک نکرده‌ام. ۴: ۱۳۶؛ بابا داشت آن نقش عزیز کهنه و کپک‌زده‌اش را بازی می‌کرد.
	۶. گول زدن والدین	۵: ۷۴؛ مدی: بگو حرف‌شون (والدین) رو قبول داری، بگو اون‌ها عقل‌گُلن. لویی: اصلاً همچین حرف‌هایی تو دهنم نمی‌چرخه. مدی: زور خودت رو بزن ... بذار فکر کنن حرف‌هاشون رو قبول داری ... ۴: ۸۳؛ الکی نشان دادم که دارم عمیقاً به این چرت‌وپرت‌ها فکر می‌کنم و بعدش آرام گفتم: «به نظرم شما درست می‌گی بابا». ۵: ۴۱؛ الیوت محکم هر دوی آن‌ها (والدین) را بغل کرده بود و چلپ‌وچلوپ ماچ‌شان می‌کرد، دقیقاً طبق دستورالعمل. ۶: ۸۳؛ درباره اتفاقات امشب چیزهایی سرهم کردم و سرشان (مامان و بابا) را شیریه مالیدم. ۵: ۷۸؛ چیزی که هر بچه‌ای باید بداند: چطور پدر و مادرت را گول بزنی تا کاری را که می‌خواهی انجام بدهی. ۵: ۱۳۳؛ چطوری باید غییم بزنی که وقت کنم بروم پیش نوآ و لیلی و برنامه اجرا کنم و برگردم، بدون اینکه مامان و بابا شک کنند؟ مدی می‌گوید روی این قضیه کار می‌کنم. ۴: ۵۳؛ من مجبور بودم چند فرسخ از این مزخرفات (سخنان پدر) را گوش بدهم و هر طوری شده بیدار بمانم و هرازگاهی کله‌ام را تکان بدهم. ۴: ۱۸۴؛ آگه رفتارت مثل یه پسر خوب باشه، اون‌ها فکر می‌کنن آزمایش احمقانه‌شون داره جواب میده.
	۷. ظالم نشان دادن والدین	۵: ۱۱۶؛ از دوشنبه من و الیوت مورد آزار و اذیت قرار گرفتیم، آزار و اذیت شما (والدین) ... فقط وقتی ما لباس خواب تن‌مون هست، آرامش داریم از دست‌تون. ۴: ۱۷۰؛ مدی غرغر کرد: نمی‌دونم کدوم‌شون بدترن. پدر و مادر تو یا پدر و مادر من؟ جواب دادم: همه‌شون مثل همن. ۳: ۵۲؛ حالا هر وقت می‌خواهم برنامه‌ای از تلویزیون ببینم، مجبورم یک سفر طولانی بروم طبقه پایین ... پدر و مادرها حق ندارند چنین کاری بکنند. این کار نقض کامل حقوق بشری من است.

چالش‌های آینده تربیت جنسی در داستان‌های ترجمه‌ای

مقوله‌ها	زیرمقوله‌ها	مصادق‌ها: شماره کتاب: شماره صفحه؛ متن ^۱
۱. والدین بی‌ارزش	۷. ظالم نشان‌دادن والدین	۴: ۱۴۶؛ یکی از کارهای پدر و مادرها این است که چپ و راست حالت را بگیرند. ۳: ۷۰؛ آخر این چه جور زندگی‌ای است؟ به تنو گفتم حتی اگر برمی‌گشتیم به آن دوره‌ای که بچه‌ها دودکش بخاری‌ها را تمیز می‌کردند، خیلی بیشتر از حالا خوشحال بودیم. ۶: ۱۱۵؛ مامان ادامه داد: بشقاب‌های غذا رو برگردونین. من و الیوت دوباره غرغر کردیم. الیوت گفت: پول‌مولی هم به ما می‌دین بابتش؟ مامان با عصبانیت گفت: این حرف‌رو نشنیده می‌گیرم. گفتم: کودکان کار که می‌کن همینه دیگه.
	۸. تحقیر جایگاه والدین	۳: ۱۳۱؛ مدی گفت: پدر و مادرم عمراً تو کار من سرک بکشن ... داد زدم: پس بگو تو بهشت زندگی می‌کنی. خوش‌به‌حالت. درست همین لحظه مدی خیلی آهسته گفت: آره، ولی باید تربیت شده باشن. ۳: ۱۶۳؛ اولین روز تمام‌وقت تربیت پدر و مادر ... این طوری: اول از گوشه دهانت یک چیزی می‌گویی که بابا و مامانت خوب نشنونند. بعد وقتی ازت می‌پرسند چی گفتی؟ شانه‌هایت را محکم بالا می‌اندازی و دهانت را به حالت باز نگه می‌داری (همراه با تصویر) ۴: ۱۹۱؛ خیلی دیر شده که کسی من را به فرزندی قبول کند؟ هر کسی را که یک اینترنت پر سرعت خوب داشته باشد می‌پذیرم. ۳: ۱۳۳؛ هرگز به بابا و مامانت نگاه نکن. مگر اینکه مجبور باشی در هر ساعت از روز و شب سکوت‌درمانی را برای‌شان اجرا کن. وقتی بابا یا مامانت گفت: به من کم‌محل‌ی نکن، بدان که در راه موفقیت قدم برمی‌داری. ۳: ۷۷؛ می‌دانی درد من چیست؟ پدر و مادرزدگی؛ یعنی دلزدگی یا خستگی زیاد از حضور پدر و مادر. ۷: ۱۷۹؛ شما تو کل دنیا آخرین آدم‌هایی هستید که ممکن است بخوام توی صفحه فیسبوکم سر و گوش آب بدهید. نه به خاطر اینکه دوست‌تان ندارم، هر چند بیشتر وقت‌ها اینطوری است.
	۹. زیردست فرض کردن والدین برای فرزندان	۷: ۲۲۷؛ واقعاً چیزی که میگی اینه که بابا و مامانت باید غذات رو بدن، لباس تنت کنن و خرجت کنن. هر وقت هم کارشون تموم شد، باید برن اون پشت‌مشت‌ها ... گفتم: دقیقاً درست میگی مامان. ۳: ۷۶؛ فایده پدر و مادر را شرح دهید؟ پدر و مادر به ما خوراک می‌دهند، پوشاک می‌دهند و سقفی که زیرش تلب شویم. به‌علاوه ما را با ماشین‌شان این‌ور و آن‌ور می‌برند و پول‌توجیبی هم می‌دهند. همین و بس.

مصادق‌ها: شماره کتاب: شماره صفحه؛ متن ^۱	زیرمقوله‌ها	مقوله‌ها
<p>۶: ۱۰۷؛ دو طبقه کتابخانه را کاملاً تمیز کردم. هر چند واقعاً این وظیفه پدر و مادراست.</p> <p>۵: ۱۷۶؛ پرسیدم: مامان همیشه این قدر عالی بوده؟ جک توضیح داد: اوه نه. تا همین آخری‌ها، فقط به مامان معمولی غرغرو بود؛ اما بعدش تو اینترنت به چیزهایی دید درباره پدر و مادرهای بله‌گو... آهی کشیدم: توی خیالم هم نمی‌بینم که مامان و بابای من این‌رو بهم بگن.</p> <p>۶: ۱۱؛ بقیه باباها پسرهای‌شان را غرق بازی‌های کامپیوتری، کتاب‌های کمیک‌استریپ و بلیت مسابقه‌های فوتبال می‌کنند؛ بابای من برای ما دستمال گردگیری می‌خرد.</p>	<p>۹. زیردست فرض کردن والدین برای فرزندان</p>	<p>۱. والدین بی‌ارزش</p>
<p>۱: ۵۹؛ اسم مامان بزرگ و بابابزرگ را گذاشته‌ام آفتاب‌های لب‌بوم... چون هر دو تا پیر و باستانی‌اند.</p> <p>۷: ۲۱؛ بابابزرگ مثل سگ‌شکاری که فقط خبرهای وحشتناک را می‌شنود گفت: این یک جوکه.</p> <p>۱: ۱۱۲؛ آخر هفته کل خاندان قرار است خانه آفتاب‌های لب‌بوم قدیمی ناهار بخوریم.</p> <p>۲: ۱۸۵؛ به درک می‌گویم آفتاب‌های لب‌بوم، همیشه هم دیوانه نیستند و بعضی وقت‌ها جداً بامزه‌اند.</p> <p>۲: ۱۷۶؛ دهن بابابزرگ، من را یاد دهن یک لاک‌پشت خیلی پیر می‌اندازد.</p> <p>۴: ۲۴۹؛ مامان بزرگ و بابابزرگ همیشه سیخ و صاف روی مبل می‌نشینند، انگار اعضای خانواده سلطنتی هستند که به ما وقت ملاقات داده‌اند.</p> <p>۷: ۲۰؛ آگه مامان بزرگ به باره دیگه به من بگه آرنجم را از روی میز بردارم یا پیرسه امروز دست‌هام‌رو شسته‌ام یا نه، بهش میگم سرت به کار خودت باشه.</p>	<p>۱۰. اهانت به پدر بزرگ و مادر بزرگ</p>	<p>۲. هبوط بزرگترها</p>
<p>۴: ۲۲؛ عمه بتی بزرگ که فقط به‌عنوان یک عتیقه می‌شود توصیفش کرد، مهمانی‌ای راه انداخته و دارد کلی پرت‌وپلا درباره تاریخچه گیاه دارویی‌اش سر هم می‌کند.</p> <p>۶: ۳۹؛ کلّ صورتش (همکار پدر) کج و کوله شده بود. فکر کردم شاید سکنه‌مکته‌ای کرده. راستش یک جورایی آرزو می‌کردم همین‌طور باشد... اما سر آخر فهمیدم دارد سعی می‌کند به من لبخند بزند.</p> <p>۴: ۱۴۶؛ دیگی (مشاور خانواده): لویی نظرت چیه به صحبت مختصری با هم داشته باشیم؟ لویی: نظرت چیه موهای روی دماغت رو بزنی؟! مثل جنگل شده.</p> <p>۶: ۱۳۵؛ کاشکی به‌جای آن‌ها، چهار تا دایناسور چاق خروپفی مهمون‌مون بودن. پرورترین و بوگندوترین همسایه‌های بوگندوی کل دنیان.</p>	<p>۱۱. اهانت به بزرگترها</p>	

مقوله‌ها	زیرمقوله‌ها	مصادق‌ها: شماره کتاب: شماره صفحه؛ متن ^۱
۲. ترجمه‌های مدرسه	۱۱. اهانت به بزرگترها	<p>۵: ۶۱؛ گرگ، به پسر احمق با به صورت پیازی شکل و گوش‌هایی مثل بشقاب پرنده.</p> <p>۴: ۱۴۵؛ دیگی (مشاور خانواده) نه تنها خانه را به گند کشیده، بلکه اتاقم را هم به گند کشیده.</p> <p>۳: ۱۵۱؛ موقع بیرون رفتن به سرینا و عتیقه‌هایش (والدینش) برخورد.</p> <p>۴: ۲۲؛ حمله خُل و چل‌ها که به فک و فامیل معروفند.</p> <p>۶: ۱۳۰؛ پشت‌سَرشان آقا و خانم دندان‌گرازی بودند. دندان‌های جلویی مرده آن‌قدر عظیم‌الجثه بودند که انگار هر لحظه ممکن بود از دهانش پرت شوند بیرون.</p> <p>۶: ۲۷؛ آدم بزرگ‌ها کلاً حرف‌شان حرف نیست.</p>
	۱۲. توهین به معلمان	<p>۱: ۵۱؛ من به حرف‌های خانم ورثینگتن گوش نمی‌کنم ... چون یکهو متوجه شده‌ام که از نزدیک، خانم ورثینگتن بالای لبش چیزی دارد کمکی شبیه سیل! خیلی تلاش می‌کنم زل نزنم. سخت است زل نزن. زل نزن ... صورتش را نگاه کن، نه سیبیلش را.</p> <p>۷: ۳۵؛ زنگ تفریح آدای معلم ریاضی‌مان را در آوردم که تودماغی صحبت می‌کند و درحالی که آب دهانش سرازیر شده می‌گوید: نه، من این‌رو نمی‌خورم. با بدجنسی آدای او را در آوردم؛ با یک‌عالمه آب‌دهان درست و حسابی.</p> <p>۲: ۴۷؛ وسط گپ‌زدن‌مان حرف سیبیل‌های خانم ورثینگتن هم می‌شود ... سیل ... عقی ...</p> <p>۵: ۱۱؛ باید توی پوسته خشک آن معلم با آن کت‌وشلوار خاکستری رنگ‌ورورفته‌اش نفوذ می‌کردم. همان کت‌وشلوار رنگ‌ورورفته‌ای که او را شبیه شبحی خبیث می‌کرد.</p> <p>۴: ۵۰؛ معلم جغرافی یک‌عالمه کف از دهانش می‌ریخت.</p> <p>۵: ۲۸؛ قیافه‌اش شبیه سیب‌زمینی پلاسیده است.</p> <p>۳: ۱۱۴؛ متنفرم از این خانم آرچر. صورتش هم که عین ماهی هالیبوت است.</p> <p>۵: ۲۹؛ دانکی، توی کت‌وشلوار تیره‌اش به نظر می‌رسید آمده برای نقش دراکولای بعدی تست بدهد.</p>
	۱۳. توهین به مستولان مدرسه	<p>۳: ۷؛ اول‌کاری، خوردم به پست پیر زهواردرفته‌ای که می‌گفت مدیر مدرسه است. این بابا قدش یک‌متر و هشتاد سانت است و ابروهای پاچه‌بُزی دارد. یک‌ریز هم این‌ور و آن‌ور تف می‌پراند.</p> <p>۶: ۱۰۹؛ تف‌تف کنان و باهیجان (مدیر) گفت: درست می‌بینم!؟</p> <p>۳: ۸؛ با ناظم مدرسه آقای ورمولد روبه‌رو شدم که قیافه‌اش عین‌هو یک روباه پشمالو بود.</p> <p>۱: ۹۰؛ ابروهای آقای کین، شبیه دو تا هزارپای پشمالو است که دارند توی صورتش</p>

مصادق‌ها: شماره کتاب: شماره صفحه؛ متن ^۱	زیرمقوله‌ها	مقوله‌ها
<p>می خزند.</p> <p>۳: ۱۵۷؛ تف‌پران اول کلی لب‌ولوچه آویزان کرد. بعدش یک خروار وراجی کرد.</p> <p>۶: ۱۷۷؛ بیچی هد (معاون مدرسه) مثل کوسه آدم‌خواری کمین کرده بود توی راهرو.</p> <p>۳: ۵۵؛ تف‌پران درجا حرفش را قطع کرد و دست‌روی‌دست، عین چوب‌خشک ایستاد.</p> <p>یکی دو سالی همین جور بی حرکت ماند. زیر لب گفتم: به این می گویند سیخ شدن تن مرده.</p> <p>بعدش باز گفتم: محض رضای خدا یک نفر دکمه (play) را فشار دهد.</p>	<p>۱۳. توهین به مسئولان مدرسه</p>	<p>۲. جرم‌های جنسی</p>
<p>۳: ۸۳؛ باز چشم‌هایش بنا کرد به برق‌زدن. اسم‌های مان را به همدیگر گفتیم.</p> <p>۶: ۶۷؛ امشب می‌خواهم حسابی از خجالت مدی دریابیم. اگر امشب حرف‌هایم را که زدم، مدی زیر لب بگوید "واای لویی ممنونم" یا فقط "واای" حسابی خوشحال می‌شوم.</p> <p>۵: ۲۸۵؛ مدی زنگ زد و درخواست عجیبی هم داشت. گفت اگر دوست دارم برویم پیاده‌روی. معمولاً نمی‌توانم به چیزی خسته‌کننده‌تر از این فکر کنم ... اما امشب گفتم: می‌دونی چیه؟ واقعاً دوست دارم.</p> <p>۶: ۳۷؛ واسه جمعه توی لوئیچی جا رزرو کردم. با ملایمت گفت: جمعه خوبه. یک لحظه به من خیره شد. فکر می‌کنم انتظار داشت من چیز دیگری بگویم.</p> <p>۳: ۱۷۲؛ بعد از ظهر پیاده رفتم مدرسه مدی. دم‌در مدرسه منتظرم بود. به قدری خوشحال شدم که چند لحظه سرخ شدم.</p> <p>۷: ۲۴۵؛ کاملاً معلوم بود وقتی دوست جون‌جونی‌اش، ادگار (دوست پسر دیگر) آنجاست، نمی‌خواهد از من (لویی) چیزی بداند. طرز فکر او (مدی) می‌توانست حسابی به من ضربه بزند.</p> <p>۵: ۲۱؛ متفردم از اینکه مدی از من دور باشد. حاضریم همه دار و ندارم را بدهم که دوباره بیاید سه تا خیابان آن‌طرف‌تر از خانه ما زندگی کند.</p> <p>۶: ۷۸؛ لباس عالی ... منظورم اینه که نمی‌تونم بگم چقدر برازنده و شیکه. واقعاً واقعاً راست می‌گم ... مدی گفت: «تو که قبلاً این پیرهن رو دیده بودی. یادت رفته؟» آن لحظه حتی اسم خودم را هم یادم رفته بود.</p> <p>۴: ۳۱؛ به اندازه روزهایی که در مسافرت هست (مدی)، با هم حرف زدیم.</p> <p>۴: ۲۱؛ مدی با هدیه کریسمس آمده پیشم ... من یک زنجیر خوشگل بهش دادم با کلی قلب و ستاره رویش. گفت این بهترین هدیه‌ای است که توی کریسمس گرفتم.</p> <p>۷: ۷۷؛ اگر مدی امشب با من بود، حتی اگر هیچ کس هم با من حرف نمی‌زد، اصلاً برایم</p>	<p>۱۴. ارتباط عاطفی جنسی با جنس مخالف</p>	<p>۲. جرم‌های جنسی</p>

مقوله‌ها	زیرمقوله‌ها	مصادق‌ها: شماره کتاب: شماره صفحه؛ متن ^۱
۲. هیجانات جنسی	۱۴. ارتباط عاطفی جنسی با جنس مخالف	مهم نبود. ۴: ۷۰؛ یکی از طرفدارهای پروپاقرص تو شدم (مدی). گفتم من هم یکی از طرفدارهای پروپاقرص تو شدم.
	۱۵. استقبال والدین از ارتباط فرزند با جنس مخالف	۳: ۱۰۶؛ مامان نظرش این بود که بهترین لباس‌ها را برای مدی بپوشم ... من یک لباس غیررسمی و ضمناً شیک انتخاب کردم؛ کمی با موهایم ور رفتم و برای مامان توضیح دادم که چرا نمی‌توانم کروات بزنم. بعدش هم چند گالنی از خوشبوکننده‌های بابا را زیر بغلم اسپری کردم. ۶: ۱۲۵؛ مامان گفت: ما اصلاً فضول نیستیم؛ اما انگار بین تو و مدی حسابی شکر آب شده. ۴: ۱۳؛ مدی رسیده. مامان و بابا به من و مدی اصرار کردند که روی مبل‌های جلویی بنشینیم. ۳: ۱۰۷؛ من و مدی با هم رفتیم توی اتاق ناهارخوری که چیزی بخوریم. مامان آنجا هم ول کن نبود. هی برای ما چیزمیز می‌آورد و بعدش این‌ها و آن‌ها می‌کرد. دلم می‌خواست داد بزنم خوردنی و نوشیدنی رو آوردی، حالا برو پی کارت. بالاخره چند لحظه بی‌پدر و مادر پیش آمد. ۶: ۱۱۸؛ قبل از آنکه برویم طبقه بالا؛ سروکله مامان با لبخند پت‌وپهنی روی صورتش پیدا شد و گفت: فقط خواستم بدونی از قضیه تو و لویی خبر دارم. ۳: ۱۳۰؛ وقتی وارد خانه مدی شدم ... انگار بابا و مامان مدی خودشان می‌دانستند جزء برنامه ملاقات نیستند. به مدی گفتم: رفتار بابا و مامان حسابی من رو گرفت.
	۱۶. ایجاد فضا و نگاه جنسی	۲: ۸۷؛ به استخر که می‌رسیم، می‌بینیم خیلی شلوغ است. کلی از بچه‌های مدرسه‌مان را می‌بینیم که دارند شنا می‌کنند؛ از جمله امی پورتر، ایندرانی هیندل و فلورانس میچل (دختران). ۵: ۲۶۰؛ مدی موهایش را حسابی کوتاه کرده بود؛ اما بهش می‌آمد و کاملاً هم برنزه شده بود ... یادم رفته بود چه چشمان درخشانی دارد. به شکل عجیبی یک لحظه احساس خجالت کردم. ۵: ۲۱؛ مدی همین الان زنگ زد؛ از دستشویی دخترانه. ۴: ۱۱۶؛ مدی را راهنمایی کردم به اتاق جدیدش. یک لحظه بدجوری خجالت کشیدم. فکر می‌کنم مدی هم همین طوری بود، چون هر دو نگاهی به هم انداختیم.

مصادق‌ها: شماره کتاب: شماره صفحه؛ متن ^۱	زیرمقوله‌ها	مقوله‌ها
<p>۷: ۵۴؛ او خیلی قدبلند و خجالتی است و خیلی جدی به نظر می‌رسد؛ به خصوص وقتی می‌نشیند و دست‌هایش را روی دامنش به هم قفل می‌کند. کاری که زیاد انجام می‌دهد. اما مدی راست راستکی خیلی بامزه و واقعاً خوشگل است. راستش وقت‌هایی هست که خیلی زیبا به نظر می‌رسد. مثلاً وقت‌هایی که ... تو که نمی‌خواهی بدانی چه موقع‌هایی؟ می‌خواهی؟</p> <p>۶: ۷۸؛ مدی بلند شد. به شوخی گفتیم: نمی‌خوای که بری. نه دارم می‌رم دست شویی، آگه از نظر تو اشکالی نداره. باشه برو؛ تازه اینجا توالت‌های باشکوهی درست کردن. نه که فکر کنی تا حالا تو دستشویی خانم‌ها بودم؛ ولی یک بار از پنجره نگاهی انداختم.</p>	<p>۱۶. ایجاد فضا و نگاه جنسی</p>	<p>۲. هنجار شکنی جنسی</p>
<p>۲: ۲۷؛ دلیا جلوی باغچه خانه با دوستش اد نشسته، همان که دلیا دبه می‌کند دوستش است. پسره می‌گوید خوبی تام؟ کارش قشنگ است و من جا می‌خورم. بعد دلیا هوار می‌کشد که برو گم شو ... همین لحظه است که یکهو متوجه می‌شوم اد و دلیا زیادی با هم دوست شده‌اند.</p> <p>۱: ۱۱۳؛ دلیا عنق است. چون دلش نمی‌خواهد بیاید. من می‌گویم دلیا می‌خواد با رفیقش (دوست پسر) بگرده، دلیا می‌خواد با رفیقش بگرده.</p> <p>۱: ۲۲۶؛ دلیا و دوستش به نظر خوشحال می‌آیند. به تصویر کشیدن تصویر دلیا و اد.</p> <p>۱: ۲۱۳؛ دلیا را بین تماشاچی‌ها می‌بینم. با دوستش (اد) است.</p>	<p>۱۷. بی‌غیرتی نسبت به روابط خواهر</p>	
<p>۱: ۳؛ خواهرم دلیا را اذیت کردم. می‌پذیرم که وقتم را گرفت. هرچند خوش گذشت. کتاب مصورم را با خودم بردم توی دست شویی تا بخوانم؛ تمام این مدت دلیا بیرون منتظر بود.</p> <p>۲: ۳؛ می‌توانم تمرکز را بگذارم روی کارهای خوبی مثل پیدا کردن راه‌های تازه‌ای برای عصبانی کردن خواهرم دلیا.</p> <p>۲: ۲۹؛ کشیدن نقاشی خواهر با زیرنویس دلیا با لگن توالت روی کله‌اش ... دلیا بعد اصلاح کردن موهای خودش با قیچی اسباب‌بازی.</p> <p>۴: ۵۹؛ به هیچ وجه امشب این میکروب متحرک (برادر) با من (لویی) و مدی غذا نمی‌خوره.</p> <p>۲: ۷؛ کاش می‌توانستم با یک بسته غذای سگ، دلیا را خفه کنم.</p> <p>۵: ۷۰؛ الیوت، مغز فندقی فریب خورده بیچاره.</p> <p>۲: ۳۸؛ شعر گفتن برای خواهر و خواندن در مدرسه با هم خوانی سایر بچه‌ها دلیا دیوونه‌ست ... دلیا دل‌فکه ... دلیا دیوونه‌ست ... دلیا مشتنگه ... دلیا یه گاو اخموئه ... نذار بیاد وایسه</p>	<p>۱۸. لذت بخش جلوه دادن آزار و تمسخر خواهر و برادر</p>	<p>۳. روحیه انبساطی گری</p>

مقوله‌ها	زیرمقوله‌ها	مصادق‌ها: شماره کتاب: شماره صفحه؛ متن ^۱
۴. رویه‌های ابلیسی گری	۱۸. لذت‌بخش جلوه‌دادن آزار و تمسخر خواهر و برادر	پیش‌ت، چون لولوئه ... ۲: ۳۰۳؛ تو فکرم ترانه بعدی‌ام را که بنویسم، اسمش باشد «خواهرم احمقه».
	۱۹. تمسخر و تحقیر دوستان	۲: ۲۵۱؛ کشیدن نقاشی دوست همکلاسی به صورت قورباغه و هزارپا ۲: ۳۴۰؛ کشیدن نقاشی دوست همکلاسی به صورت چهارپا ۱: ۹؛ قیافه مارکوس ملدرو شبیه موش است (همراه با نقاشی). قیافه مارکوس ملدرو شبیه گوزن است (نقاشی). مارکوس گوزن ... ۱: ۲۳۵؛ نقاشی همراه با متن: مارکوس یک کودن است. آدم‌آهنی کودن‌له‌کن در حال له کردن مارکوس ۲: ۲۸۹؛ آدامس میوه‌ای + نورمن = رفتن به هیروت
	۲۰. اشاعه موسیقی راک	۱: ۲۱۵؛ سه تا باحال از صحنه می‌آیند بیرون و کل گروه، کف دست‌شان را می‌زنند به دست من! دیگر دست‌هایم را نمی‌شویم. ۲: ۱۶؛ من رفتم کنسرت سه تا باحال را ببینم. آن‌ها بهترین گروه زمین هستند و هرکس این طور فکر نمی‌کند، کاملاً احمق است. ۶: ۴۲؛ بابا به وقت‌هایی با آهنگ راک می‌رقصه. مامانم میگه وقتی داره می‌رقصه یا می‌خونه نباید اذیتش کنیم. ۱: ۶۳؛ توی مغازه تصمیم می‌گیرم پول اضافه‌ام را چطور خرج کنم. چشمم می‌خورد به شماره این ماه هفته‌نامه موسیقی راک. ۱: ۳؛ کاری که امروز صبح کردم این بود؛ بیدار شدم، موسیقی گوش دادم، گیتار زدم، قیل خوردم از تخت پایین، دنبال جوراب‌هایم گشتم و دوباره گیتار زدم.
	۲۱. تلقین تنفر از مدرسه و مدرسه‌گریزی	۷: ۲۳۳؛ من همیشه امیدوار بودم که یک‌روز مدرسه به کلی منقرض بشود. همه، حتی معلم‌ها بی‌خیالش بشوند. البته من که قبلاً بی‌خیالش شده‌ام. ۷: ۱۳؛ مدرسه برای من هیچ اهمیتی ندارد. درواقع می‌توانم بی‌خیالش بشوم. ۴: ۷؛ همین الان همه کتاب‌های جغرافی‌ام را انداختم دور ... شوت‌شان کردم توی سطل آشغال، کنار یک‌مشت چایی کیسه‌ای و یک چیز سوخته و خیلی بوگندو.

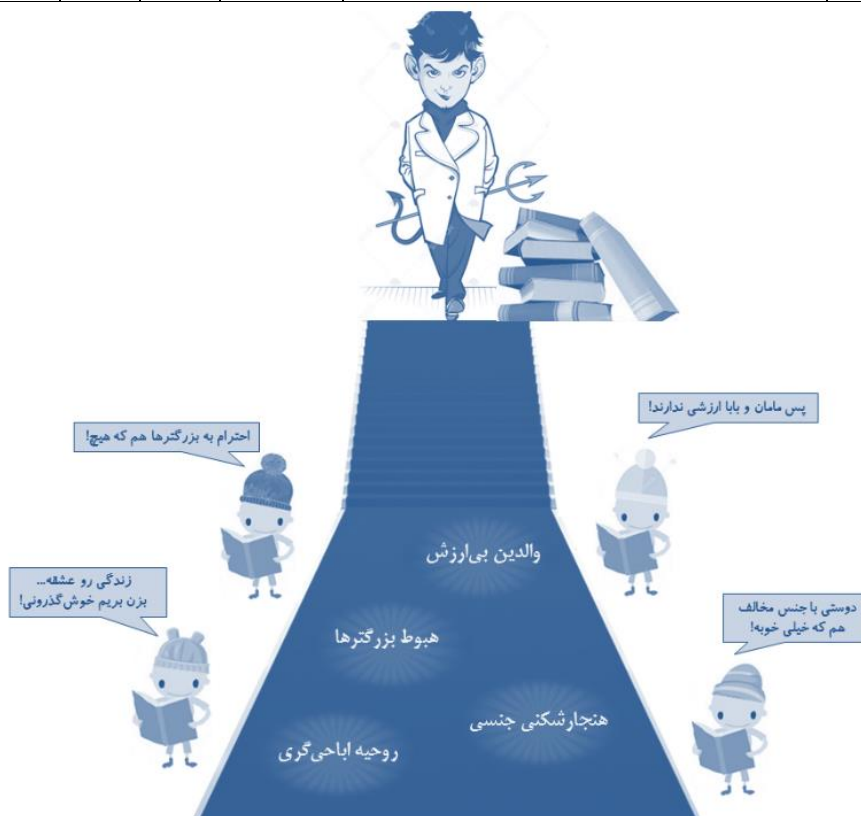
مصادق‌ها: شماره کتاب: شماره صفحه؛ متن ^۱	زیرمقوله‌ها	مقوله‌ها
<p>۷: ۱۳؛ من یک مشکل بزرگ دارم. یک مرض خیلی نادر. من بدجوری به مشق حساسیت دارم. همین هفته قبل توی خانه بی‌هوا کتاب ریاضی‌ام را در آوردم؛ صورتم فوری شروع کرد به خاریدن. درست فردا صبحش لکه قرمز عظیم‌الجثه‌ای روی صورتم ظاهر شده بود.</p> <p>۳: ۹۲؛ مدرسه به اندازه یک خردل ارزش بلندشدن را نداشت.</p> <p>۷: ۳۹؛ مهم‌ترین توصیه‌های من برای بازی در نقش یک مریض الکی (برای نرفتن به مدرسه): باید خودت را به‌دقت آماده کنی ... مثلاً پودر بچه بمالی به گونه‌هایت که رنگ پریده به نظر بیایی و یک حوله نم‌دار بکشی به موهایت، انگار عرق کرده‌ای.</p>	<p>۲۱. تلقین تنفر از مدرسه و مدرسه‌گریزی</p>	
<p>۱: ۲۳۶؛ آقای فولرمن، خیلی متأسفم بابت انشایم. توی راه مدرسه بودم یک سنگ پلید دنبالم افتاد و بهم حمله کرد و من با تنها چیزی که به ذهنم رسید از خودم دفاع کردم؛ دفتر مشقم.</p> <p>۶: ۱۰؛ بابا تحقیق تاریخم را تمام کرده ... گفتم: چه شور و شوقی داری بابا. حالا تا جمعه وقت بود.</p> <p>۳: ۱۲۹؛ با دست‌خط خودم به تقلید از امضای مامان، چیزی خط‌خطی کردم و حالا نامه آماده بود.</p> <p>۲: ۱۰؛ دارم سعی می‌کنم با اجرا کردن دوباره کل صحنه با حرکات آهسته برای مامان توضیح بدهم چه اتفاقی برایم افتاد. ولی توضیح روی مامان تأثیر نداشته. فکر کنم مشکوک شده که نکند ماجرای حمله سنگ را از خودم در آورده‌ام.</p> <p>۳: ۱۷۷؛ صحبت تلفنی: متأسفانه باید بگم همین الان مامانم خون‌دماغ شد و رفت طبقه پایین.</p> <p>۲: ۲۷۲؛ بعد از تمارض به درد دست: آقای فولرمن می‌پرسد چطور ممکن است اینقدر یکهو دستم درد گرفته باشد؟ برایش توضیح می‌دهم خواهر بزرگم دل‌یا از خانه هلم داد بیرون و حتماً او بوده که باعث شده دستم این‌قدر ناجور رگ‌به‌رگ شود.</p> <p>۱: ۴۶؛ نوشتن مشقم را تازه تمام کرده بودم که خیلی تصادفی بزرگترین لیوان دنیا را ریختم رویش.</p>	<p>۲۲. آموزش و دروغ‌گویی</p>	<p>۴. روحیه اباحی‌گری</p>

مصادق‌ها: شماره کتاب: شماره صفحه؛ متن ^۱	زیرمقوله‌ها	مقوله‌ها
<p>۱: ۱۸۵؛ با قیافه کسل می‌نشینم کف پیاده‌رو. بعد اگر کسی پیاده از کنارم رد شود، مقداری پول جلویم می‌اندازد ... در نتیجه من تازه قیافه‌ام را غمگین‌تر هم می‌کنم ... تا وقتی مامان و خانم فینگل حرف‌زدن‌شان را تمام کنند، من خودم سه‌پوند و هفتاد پانس درآورده‌ام. همین باعث می‌شود به فکر بیفتم اگر یک دست‌خط لرزان هم جلویم بگذارم و لباس‌های قدیمی پاره‌پوره بپوشم، چقدر گیرم می‌آید.</p> <p>۱: ۲۰۶؛ من خیلی بدبختم. می‌نشینم زمین. قیافه‌ام خیلی دماغ است. همین الان‌هاست کنسرت شروع شود ... فکری به سرم می‌زند. احتمالش کم است، ولی من که دیگر چیزی ندارم از دست بدهم. من یک آدم جان‌به‌لب رسیده‌ام. یک کیسه کاغذی پیدا می‌کنم و خودکار هم که خودم دارم؛ خواهش می‌کنم کمک کنید! سگ بلیت من را خورد!</p>	<p>۲۳. عدم عزت‌نفس</p>	
<p>۱: ۴؛ در وقت بارزشم صرفه‌جویی می‌کنم؛ موهایم را شانه نمی‌زنم. دندان‌هایم را مسواک نزدم.</p> <p>۶: ۵۶؛ بعضی وقت‌ها یک‌کم بو می‌دهم. به خاطر این نیست که دوش نمی‌گیرم، دو هفته پیش حمام بوده‌ام.</p> <p>۴: ۵۹؛ حالا مجبورم دوباره صورتم رو بشورم. تازه هفته پیش شسته بودمش.</p> <p>۶: ۷؛ انگار دیوارهای اتاقم به من حمله کرده‌اند؛ یک‌عالم یادداشت روی‌شان چسبیده؛ چیزهایی که حسابی گستاخانه‌اند، مثل لویی چرا من باید تخت را مرتب کنم؟ خودت کارهات رو بکن ...</p>	<p>۲۴. آموزش تنبلی و الواطی‌گری</p>	<p>۴. روحیه باحی‌گری</p>
<p>۲: ۵؛ یکی دیگر از خوبی‌های رفتن به خانه درک این است که او هیچ‌خواهر روی اعصابی ندارد، برعکس من. یک سگ دارد که اسمش خروس است.</p> <p>۱: ۱۷۰؛ دیگر طاقت ندارم برای دیدن توله‌سگ جدید درک، صبر کنم! خیلی خوشگل است (برعکس درک)، اگرچه از روی عکسی که برایم ایمیل کرده می‌توانم شباهت مختصری هم بین‌شان تشخیص دهم.</p> <p>۲: ۸۶؛ درک خیلی خوشحال است که مثل من خواهر ندارد ... نقاشی درک: من با سگم خوشحالم.</p> <p>۱: ۳۲؛ مارک کلامپ یک حیوان خانگی دیگر گرفته؛ ولی بهم نمی‌گوید چه حیوانی.</p>	<p>۲۵. ترویج نگهداری حیوان خانگی</p>	

جدول ۳. فراوانی کلی طبقه‌ها و زیرطبقه‌های کشف شده در تحلیل محتوا

ردیف	زیرمقوله	مقوله	تعداد تکرار		
			کتاب اول	کتاب دوم	کتاب ششم
۱	توهین به والدین	والدین بی‌ارزش	۲۳	۲۳	۳۰
۲	تحقیر، تمسخر و مکالمه بی‌ادبانه با والدین		۱۹	۲۷	۱۳۱
۳	پنهان کاری و فریب والدین		۶	۴	۱۷
۴	تهدید و تعیین وظیفه برای والدین، ظلم نشان دادن آن‌ها و منت‌گذاری		۲۵		
۶	توهین و تمسخر پدربزرگ و مادر بزرگ	هبوط بزرگ‌ترها	۱۱	۲۲	
۷	توهین، تمسخر و فریب مسئولان مدرسه (معلم، مدیر و معاون)		۳۸	۱۲	۳۴
۸	تمسخر بزرگ‌ترها، اقوام و سالمندان		۳	۹	۲۲
۹	عادی‌سازی ارتباط با جنس مخالف و ایجاد فضای جنسی	هنجار شکنی جنسی	۲۸	۱۳	۱۲۰
۱۰	توهین، آزار و تمسخر همکلاسی‌ها	روحیه اباحه‌گری	۳۷	۳۸	
۱۱	جذاب نشان دادن آزار و تمسخر خواهر و برادر		۲۷	۳۵	۲
۱۲	اشاعه موسیقی راک		۵۴	۵۲	
۱۳	اشاعه رقص و موسیقی		۶	۵	
۱۴	اشاعه تقلب و مدرسه‌گریزی و اولویت هنر به درس		۲۲	۱۴	۳۹
۱۵	ترویج حیوان خانگی و پایین کشیدن سطح انسان		۱۲	۱۰	۱
۱۶	توجه افراطی به خوراک و عدم خویشتن‌داری		۱۵	۲۰	۱
۱۷	اشاعه دروغ‌گویی و توجیه اشتباهات		۱۰	۹	۱۷
۱۸	آموزش‌های نابه‌جا به مخاطب نظیر جذابیت گدایی، بی‌حرمتی به غذا، اولویت دادن مشاور به والدین، تنبلی، تقدم فضای مجازی به پدر، فعالیت افراطی در فضای مجازی و تماشای ماهواره، القای عقاید شخصی به‌عنوان قانون، عدم شکر‌گذاری و ناامیدی، عذرخواهی بی‌دلیل والدین از		۲۲	۹	۳۱

تعداد تکرار	مقوله	زیرمقوله			ردیف
		کتاب اول	کتاب دوم	کتاب ششم	
		فرزندان			



شکل ۱. آسیب‌شناسی تربیت جنسی در داستان‌های ترجمه‌ای

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

کتاب‌های مورد تحلیل در پژوهش حاضر که با جذابیت بسیار بالا ویژه کودکان و نوجوانان نگاشته شده‌اند، توانایی بالایی در تغییر ذائقه مخاطبان خود دارند. استفاده از کلماتی که «لویی»

شخصیت اصلی پنج داستان از مجموعه «قصه‌های با پدر و مادر» در خاطرات خود می‌آورد، شاید برای فرهنگ غرب متداول باشد؛ اما قطعاً فرهنگ ایرانی - اسلامی، چنین امری را نمی‌پسندد و نوجوان ایرانی با مطالعه این کتاب‌ها، گستاخی و بی‌ادبی را در برابر پدر و مادر و بزرگتر خود می‌آموزد. در این کتاب‌ها از واژه‌های مزخرف، احمق، سرخوش و ... برای خطاب کردن والدین به طور مکرر استفاده شده است. شخصیت «تام» در کتاب‌های «تام گیتس» نیز تفکر و عملکردی مشابه «لویی» دارد. علاقه افراطی به موسیقی راک، اهانت به والدین و معلمان، تمایل روزافزون به آزار و تمسخر اطرافیان و میل شدید نسبت به مدرسه‌گریزی در سراسر دو کتاب تحلیل شده مشهود است. پدر و مادر «لویی»، ۴۴ و ۴۵ ساله و جوان هستند؛ اما «لویی» در کل داستان، به مخاطب القا می‌کند که آن‌ها پیر هستند و ضمن اینکه نباید به این موجودات نزدیک شد، می‌آموزد که نوجوانان نیز، نباید به آن‌ها نزدیک شوند. «لویی و تام» به مخاطبان خود القا می‌کنند که به رفتارهای پدر و مادر (چه درست و چه غلط) واکنش منفی نشان دهند؛ چراکه کودک و نوجوان، همواره از پدر و مادر خود بیشتر می‌فهمد. در داستان‌ها به وضوح مطرح می‌شود که کار تعریف شده پدر و مادر، تأمین پول، غذا و لباس فرزندان است و پدر و مادر نیز، این وظیفه را می‌پذیرند؛ اما گویا فرزندان هیچ وظیفه‌ای غیر از مدیریت این کارگزارها ندارند! خجالت آوردنستن پوشش و رفتار والدین، در کل کتاب به صراحت عنوان شده و هم‌چنین بیشتر از گفتار، مجموعه رفتارهای شخصیت‌های اصلی، در این داستان‌ها توهین‌آمیز است.

باید تصریح نمود مهم‌ترین آسیب این کتاب‌ها، لکه‌دار کردن و بلکه از میان بردن «مرجعیت والدین» است. این امر از عمده‌ترین عوامل زمینه‌ساز انحرافات در نوجوان در آستانه بلوغ و بعد از آن است. باید توجه داشت مرجع دریافت اطلاعات لازم در تربیت جنسی، یکی از مهم‌ترین تعیین‌کننده‌های سداد و فساد یک نوجوان است. قابل تأمل است که این امکان وجود دارد که نوجوان، پدر و مادر خود را دوست داشته باشد، حتی به آن‌ها احترام بگذارد و در بسیاری موارد از آن‌ها اطاعت کند یا حتی بالاتر، به پدر و مادر خود افتخار نماید؛ اما پدر و مادر خود را مورد اعتماد و به‌ویژه «مرجع» خود ندانند (سعیدی رضوانی، ۱۳۹۶: ۶۴). اگرچه درصد اندکی از والدین

به هیچ وجه، لیاقت تربیت کودکان و نوجوانان این مرزوبوم را ندارند و در گروهی از والدین، خلل‌هایی - البته قابل اصلاح - در این راستا وجود دارد؛ اما به هر حال خانواده و به‌ویژه والدین، مهم‌ترین و بهترین ملجأ و مرجع کودک و نوجوان هستند. کودکان و نوجوانان در صورت دوری از خانواده - مگر در موارد استثنا - قطعاً دچار آسیب‌های روانی - اجتماعی خاصی می‌شوند که نمی‌توانند در مواقع لازم، پاکدامنی خود را حفظ کنند. به بیان دیگر، پدران و مادران در اکثریت مطلق موارد، خیرخواه‌ترین افراد برای فرزندانشان هستند و هر اندازه، فرزند نگرش و روحیاتی داشته باشد که مرجعیت والدین را بپذیرد، قطعاً به دنیای روشنایی و دوری از فساد نزدیک‌تر خواهد بود (سعیدی‌رضوانی، ۱۴۰۰: ۵۳)؛ اما مطالعات نشان می‌دهد در شرایط کنونی، منابع اطلاعاتی کودک و نوجوان در زمینه مسائل جنسی، بیش از آنکه منابع مطمئن نظیر پدر و مادر و مشاور مدرسه باشد، متکی بر جمعیت همسال است (روح‌پرور و همکاران، ۱۳۹۸). در چنین شرایطی، خواندن چنین کتاب‌هایی، وضعیت لرزان کنونی را در آینده، به بحرانی مهارناشدنی در تربیت جنسی تبدیل خواهد کرد چراکه میزان مرجعیت والدین، رابطه مستقیمی با آینده مطلوب کودکان و نوجوانان دارد.

نکته قابل تأمل این است که هر مخاطب، حتی با مطالعه یک جلد از این مجموعه کتاب‌ها - حدوداً ۳۰۰ صفحه - به نوعی گریزناپذیر! حداقل ۳۰ مرتبه با توهین نسبت به والدین مواجه می‌شود و نیز در ۱۳۰ مورد، شاهد تحقیر، تمسخر و مکالمه بی‌ادبانه شخصیت‌های نوجوان با والدین‌شان می‌باشد. هم‌چنین حداقل ۴۰ نوبت، با فریب والدین و تهدید و تعیین وظیفه برای آن‌ها و ظالم نشان دادن والدین نیز، مواجه شده است از این رو، مخاطب نوجوان، به طور میانگین، رفتار و گفتار سخیفانه فرزند با والدین را در هر ۱/۵ صفحه دریافت می‌کند و این دقیقاً نقطه مقابل آموزه‌های اسلامی می‌باشد.^۱

جدابیت توهین و تمسخر نسبت به نسل پیشین به‌ویژه پدر و مادر، در این کتاب‌ها به قدری بالاست که به طور مکرر، لبخندی از سر رضایت را بر لب مخاطب می‌نشانند و حتی گاهی،

۱. «فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أُفٌ»: سوره اسراء؛ آیه ۲۳.

حساسیت پژوهش گران را نیز، هنگام مطالعه و تحلیل کتاب‌ها نسبت به برخی هنجارشکنی‌ها و بی‌احترامی‌ها، به‌مرور زمان کاهش می‌داد! یعنی در طول کدگذاری موارد نابه‌هنجار، متوجه می‌شدند که برخی مواردی که قبلاً نابه‌هنجاری محسوب می‌شد، گویا دیگر نابه‌هنجاری نیست که البته مجدداً اصلاح می‌شد. روایت داستانی در این کتاب‌ها، در یک فضای هیجانی و کاملاً دلچسب به مخاطب نوجوان عرضه می‌شود که اثر عمق‌بخشی بسیار بیشتری نسبت به دروس ارائه‌شده در مدارس دارد. به باور هال^۱ (۲۰۰۷)، این گونه آموزه‌ها با احتمال بیشتری می‌تواند یادگیری واقعی و بادوام را ایجاد کند؛ چراکه توأم با توجه به علایق و عاطفه‌های دانش‌آموزان است. هم‌چنین زاجونیک^۲ (۲۰۰۶) معتقد است ما فقط از کسانی یاد می‌گیریم که دوست‌شان داریم. فرآیند یادگیری توأم با عاطفه و محبت می‌تواند تغییرات زیادی در یادگیرندگان ایجاد کند (عجم و سعیدی‌رضوانی، ۱۳۹۱: ۵۴-۵۵) ازاین‌رو، با توجه به اینکه محتواهای رسمی آموزش و پرورش، درخصوص جایگاه پدر و مادر بسیار کم‌حجم است^۳ و ازسوی دیگر، مخاطب کودک و نوجوان، کتاب‌های داستانی را - برخلاف کتاب‌های درسی - به دور از تحمیل و کاملاً توأم با علاقه و شادی می‌خواند؛ آیا می‌توان از وی انتظار داشت که فکر و دل خود را در مقابل نفوذ این هجمه بزرگ، حفظ نماید؟! آیا ضمیر ناخودآگاه کودک و نوجوان علاقه‌مند به مطالعه! آبخورِ وقایع تلخ ضداخلاقی و انسانی، در زیست آینده نسل کنونی نخواهد بود؟

به‌طور کلی، داستان به مخاطب القا می‌کند که بچه‌ها به‌جای اینکه پدر و مادر و بزرگترهای خود را به‌عنوان مشاور انتخاب کنند، از دوستان کم‌سن‌وسال خود کمک بگیرند و به شیوه‌های

1. Hall

2. Zajonic

۳. طبق بررسی ۹ جلد از مجموعه کتاب‌های درسی مقطع ابتدایی {هدیه‌های آسمان: پایه دوم (۱۳۹۰)؛ پایه سوم (۱۳۹۰)؛ پایه چهارم (۱۳۹۴) و پایه پنجم (۱۳۸۹)؛ مطالعات اجتماعی: پایه سوم (۱۳۹۲) و پایه چهارم (۱۳۹۳) و کتاب فارسی (خوانداری): پایه دوم (۱۳۹۳)؛ پایه سوم (۱۳۹۴) و پایه پنجم (۱۳۹۵)}، در موارد بسیار محدودی به مفاهیمی درخصوص لزوم احترام و محبت به والدین، ارزش و جایگاه والای والدین، لزوم اعتماد به ایشان و ... مطرح شده است {اشاره مستقیم و غیرمستقیم در ۸ درس} و در موارد معدودی نیز، به محبت و ارتباط با بزرگترهای فامیل اشاره شده است {اشاره مستقیم و غیرمستقیم در ۷ درس}.

مختلف این موضوع را به مخاطب خاطر نشان می‌کند. جدا از این موضوع، روابط عاطفی و نگاه جنسی «لویی» به مشاور خود «مدی»، در تمام پنج داستان (داستان‌های سه‌الی هفت)، بارز است. او در کل داستان اذعان دارد که «دوست ندارم مشاورم از دوستان پسر باشد». او مدام می‌گوید «مدی» عاشق من و من عاشق «مدی» هستم؛ اما این عشق را به زبان نمی‌آورد. نوع حسادت «لویی» در اینکه دوست صمیمی اش «مدی»، با دیگران ارتباط داشته باشد یا نداشته باشد، بارز است. «لویی»، چه در مدرسه، چه در جشن‌ها، اجراها و ...، صرفاً با دخترها ارتباط می‌گیرد و در جای‌جای داستان، به مخاطب القا می‌کند که بهتر است دوستی‌ها از جنس دیگر باشد. در مجموع، در هر هفت کتاب داستان، «لویی و تام»، شخصیت‌هایی گریزان از درس و مدرسه هستند و با نحوه نوشتن خاطرات، دانش‌آموز نوجوان را تشویق به مدرسه‌گریزی و اباحی‌گری می‌کنند.

نکته قابل‌توجه دیگر آنکه در برخی از موارد، ساختار شکنی‌های صورت گرفته در کتاب‌های مورد تحلیل، به صورت پیوسته و در قالب یک ماجرا صورت می‌گرفت که باعث می‌شد پژوهشگران نتوانند مفاهیم مغایر با معیار توصیف را در تمام مطالب کتاب استخراج نمایند؛ چراکه پیوستگی این مطالب و مسائل تمسخرآمیز و هنجارشکنانه و ...، به گونه‌ای بود که در مجموع چندین صفحه یا پاراگراف پیوسته مشخص می‌شد و بنابراین، ارائه آن‌ها - براساس ساختار این مقاله - در قالب جمله یا یک پاراگراف، امکان‌پذیر نبود. برای مثال در کتاب شماره چهار، «لویی» در فرآیندی پنج صفحه‌ای، برادر کوچکترش را با دادن رشوه، راضی به تخلیه اتاق و تقدیم آن به «مدی» می‌کند.^۱ در کتاب شماره پنج نیز، «لویی و الیوت» که نگران برخورد والدین‌شان، بعد از بازگشت از جلسه اولیا و مربیان هستند، اقداماتی را در منزل جهت فریب آن‌ها انجام می‌دهند تا والدین تحت تأثیر قرار گرفته و انتقادات مربیان مدرسه را به روی‌شان نیاورند و این فرآیند

۱. لویی با اینکه از برادر کوچکترش الیوت متنفر است و هم‌اتاقی شدن با او را غیرممکن می‌داند؛ اما حاضر می‌شود به‌خاطر علاقه به مشاورش، از او خواهش کند که اتاقش را تا مدتی، برای مدی تخلیه کند و با او هم‌اتاقی شود. فرآیند راضی کردن الیوت با گفت‌وگوهای متعددی صورت می‌پذیرد و الیوت بارها با عبارات مختلف، میزان علاقه لویی به مدی را می‌سنجد و درنهایت با گرفتن رشوه‌ای سنگین (گوشی تلفن لویی)، راضی به تخلیه اتاقش می‌شود.

گول زدن والدین در هشت صفحه به طول می انجامد.^۱ در مثالی دیگر، در کتاب شماره شش، در قالب ۱۵ صفحه، استرس، اشتیاق، بیم و انتظار «لویی» برای شام خوردن با «مدی» و گذراندن لحظاتی دوستانه، با کمک توصیف حالات و اعلام مکرر ساعت و ... به تصویر کشیده می شود.^۲ از این رو، پژوهشگران معترفند روش تحلیل محتوا - به رغم تمام تلاش های انجام شده - احتمالاً نتوانست بازنمایی کاملی از گفتمان ایجاد شده توسط این کتاب ها را ارائه دهد.

از سوی دیگر، این گفتمان تنها حاصل عبارت ها و بندهای مندرج در صفحه صفحه این کتاب ها نیست؛ بلکه متأثر از حذف بزرگترین واقعیت جهان هستی، یعنی خداوند است. در سراسر کتاب های تحلیل شده، آثاری از خدا، دین و معنویت نیست و از سوی دیگر، فردی که گویا هیچ اعتقادی به نوعی ماوراء ندارد و دنیا را تنها وسیله تلذذ می داند، گاهی به عنوان یک قهرمان انسان دوستی - البته در سایه بامزه گی و تفریح و تصویر فراغت گونگی کل دنیا - تصویر می شود. در مجموع، آنچه آمده (برنامه آشکار)^۳، آنچه نیامده (برنامه پوچ)^۴، هنر نوشتاری نویسنده و تصویرسازی بسیار جذاب در سایه بینش لائیکی و آتئیستی (برنامه ضمنی)^۵، محصولی را تولید کرده است^۶ که سمی ترین خوراکی های فکری را برای حال و به ویژه آینده کودکان و نوجوانان

۱. اقداماتی نظیر نظافت منزل، تدارک قهوه، ابراز دلتنگی غیر معمول برای والدین، پخش موسیقی مورد علاقه والدین، آماده کردن حمام با شرایط دلخواه مادر و ...

۲. لویی برای ساعت ۷، مدی را برای خوردن شام، به یک رستوران گران قیمت دعوت می کند و خودش زودتر از موعد به قرار می رود. مدی با تأخیر نیم ساعته به رستوران می رسد و انتظار و نگرانی لویی در این مدت به بهترین وجه ممکن به مخاطب منتقل می شود. وقتی مدی به قرار می رسد ظاهر مورد پسند لویی را ندارد و لویی را در انتظار درآوردن کت و کلاهش رنج می دهد و در نهایت به دلیل مدل موی مدی، بحثی به همراه دلخوری شکل می گیرد و آرزوی لویی برای سپری کردن یک شب به یادماندنی با مدی، نقش برآب می شود.

3. Explicit curriculum

4. Null curriculum

5. Implicit curriculum

۶. براساس دانش مطالعات برنامه درسی و آموزش، آنچه فرد می آموزد حاصل جمع این سه برنامه درسی است و چه بسا در برخی موارد، تأثیرگذاری برنامه های ضمنی و پوچ بسیار بیشتر از برنامه های درسی آشکار است (سعیدی رضوانی، ۱۳۹۹: ب).

این مرزوبوم، فرآهم آورده است. نقطه تمرکز و مشترک این کتاب‌ها، که با مجوز رسمی وزارت ارشاد به جامعه ارائه شده، از بین بردن مرجعیت پدر و مادر، عادی‌سازی لذت‌طلبی و در یک کلام، تسلط باورهای کاملاً اباحه‌گراانه بر اذهان قشر آینده‌ساز کودک و نوجوان است. شاهد آنکه براساس پژوهش سعیدی‌رضوانی و غلامی (۱۴۰۰)، مذهب اباحه‌گری، افول هویت بومی و بستر اجتماعی رسانه‌ای محرک، از جمله پیشران‌های انحرافات جنسی در بین دانشجویان شمرده شده است و نتایج چنین پژوهش‌هایی، بر اهمیت حساسیت بیشتر خانواده‌ها و مسئولان برای نظارت بر این‌گونه محتواها می‌افزاید.

جای تأثر است که به خانواده‌های متعهد اسلامی، ایرانی و انقلابی، کتاب‌هایی^۱ عرضه می‌شود که ارزش‌های اسلامی و انسانی را به‌سخره می‌گیرند و درمقابل، کتاب‌هایی که بتوانند ارزش‌های والای ایرانی اسلامی را به کودکان و نوجوانان منتقل کنند، کمیابند. رعایت عفاف، خویش‌داری، غیرتمندی و احترام به والدین از جمله پدر، در شخصیت‌های بزرگ ایرانی اسلامی^۲ کم نبوده است؛ اما نویسندگان عرصه کودک و نوجوان، به‌ندرت به بازنمایی و بیان

۱. کتاب‌های متعدد دیگری نیز به‌صراحت به ترویج سبک‌زندگی غربی می‌پردازند (سلسله کتاب‌های ترجمه‌شده دختر توت‌فرنگی، ویژه کودکان ۳ تا ۹ سال که به آموزش مهارت‌های زندگی نظیر خودآرایی و انتخاب دوست جنس مخالف می‌پردازد) و هم‌چنین کتاب‌هایی که نابه‌هنجاری‌های شدید جنسی را ترویج می‌کنند و در قالب داستان‌های اصیل ایرانی! (مجموعه کتاب‌های قصه‌های هزارویک‌شب) بارها و بارها انتشار می‌یابند و حتی، کتاب‌هایی درخصوص ائمه و به‌ظاهر اسلامی (با عناوین زندگانی حضرت علی (علیه‌السلام) از ولادت تا شهادت و زندگانی حضرت محمد (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) از ولادت تا شهادت) نگارش می‌یابند که گویا در زندگی و حکومت و قضاوت این گل‌های سرسبد عالم، غیر از روایات مشعر به مسائل جنسی (مثلاً قضاوت‌های حضرت علی (علیه‌السلام) راجع به تهمت زنا به دختری نوجوان) چیزی وجود ندارد!

۲. شیخ‌عباس‌قمی، عارف و محدث عرصه عرفان و حدیث و دارای تألیفات فراوانی از جمله مفاتیح‌الجنان و سفینه‌البحار، بعد از تألیف کتاب «منازل‌الآخره» خود، زمانی که پدرش از او تقاضا می‌کند که کاش همانند شیخ‌عبدالرزاق مسئله‌گو که در صحن مطهر حضرت معصومه (علیها‌السلام)، از کتاب «منازل‌الآخره» برای مردم مسأله می‌گوید، به منبر برود و از روی آن کتاب مسأله بگوید؛ به‌دلیل رعایت ادب و احترام پدر، از بیان اینکه خود او مؤلف این کتاب است خودداری می‌کند.

چگونگی رفتار آن اسطوره‌های اخلاق، در قالب کتاب پرداخته‌اند و این خلأ، خصوصاً با بررسی آثاری نظیر کتاب‌های یادشده، شدیداً احساس می‌شود از این رو، با توجه به مطالب پیش گفته، ضرورت گسترش افق دید آینده‌نگری تربیت جنسی اسلامی، با عنایت به دامنه وسیع تربیت جنسی، تأثیر غیرقابل انکار خصوصیات اخلاقی و تربیتی نسل‌های گذشته بر آیندگان، آمادگی ذهنی کودکان و نوجوانان برای یادگیری و انتقال ارزش‌ها و جذابیت آموزه‌های نامناسب در کتاب‌های تحلیل شده، احساس می‌گردد. در قالب تمثیل ریاضی، می‌توان اذعان نمود حجم تأثیرات منفی چنین محتواها و آموزه‌های نامناسبی، بر روی کودکان و نوجوانان، به مثابه تقسیم بی‌نهایت - انبوه ناهنجاری‌های ارائه شده در محتواهای گسیل شده غربی - بر صفر - محتواهای به‌هنجار و ارزشی ایرانی اسلامی - به سمت بی‌نهایت میل می‌کند. با توجه به یافته‌ها و دستاوردهای پژوهش حاضر، پیشنهادات کاربردی و پژوهشی زیر پیشنهاد می‌شود.

پیشنهادات پژوهشی:

۱. نقد و بررسی کتاب‌های داستان ایرانی با رویکرد آینده‌پژوهی و تحلیل گفتمان؛
۲. نقد و بررسی کتاب‌های داستان تألیفی درخصوص جلوگیری از سوءاستفاده جنسی، خودمراقبتی و پاسخ به سؤالات جنسی کودکان و
۳. تحلیل گفتمان کتاب‌های مرتبط با سبک زندگی به‌ویژه با اتخاذ نگاه آینده‌پژوهانه.

پیشنهادات کاربردی:

۴. تألیف کتب داستانی مزاح‌گونه و خالی از بدآموزی؛
۵. تدوین دقیق‌تر استانداردهای مربوط به تألیف کتاب‌های داستان کودک و نوجوان و
۶. نظارت خاص بر چاپ و انتشار کتاب‌های کودک و نوجوان با توجه به تأثیرات عمیق این کتاب‌ها بر روان و ناخودآگاه کودکان و نقش آفرینی ویژه کتاب‌های سوء، بر آینده جنسی آحاد جامعه.

منابع

قرآن کریم

- اشرافی، شهزاده؛ زاهدی، انسیه (۱۳۹۲)، مؤلفه‌های آینده‌نگر تربیت اخلاقی در دیدگاه‌های تعلیم و تربیت و اسلامی، دومین همایش ملی آینده‌پژوهی، تهران.
- افطاری، بهنام، وقوفی، امید (۱۴۰۰)، ارائه چارچوب مفهومی آینده‌اندیشی از منظر رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای ^{مدظله‌العالی}، آینده‌پژوهی انقلاب اسلامی، ۲ (۱)، ۷۹-۱۰۸.
- ایمان، محمدتقی؛ نوشادی، محمودرضا (۱۳۹۰)، تحلیل محتوای کیفی. پژوهش، ۳ (۲)، ۱۵-۴۴.
- بامری، اسحاق؛ سالارزایی، امیرحمزه (۱۳۹۷)، تحلیل رابطه بین سبک‌زندگی و تربیت‌جنسی نوجوانان شهر زاهدان با نگاهی به پیش‌گیری از جرم. مطالعات روان‌شناسی تربیتی، شماره ۲۹، ۷۳-۹۶.
- برخورداری، رمضان؛ مدنی، سیدهادی (۱۳۹۵)، تحلیل محتوای کیفی قصه‌های صمد بهرنگی به‌منظور بررسی امکان استخراج مضامین تربیتی انتقادی، خانواده و پژوهش، ۱۳ (۱)، ۹۳-۱۱۶.
- بیگدلی، الیاس؛ الهی، طاهره (۱۳۹۴)، نقش قصه در آموزش مفاهیم دینی، ماهنامه معرفت، ۲۴ (۲)، ۸۹-۱۰۶.
- تربتی، سروناز؛ تاجیک اسماعیلی، سمیه؛ خسروی، نیکا (۱۳۹۸)، مطالعه کیفی تربیت جنسی نوجوانان و عوامل زمینه‌ساز آن با تأکید بر روابط میان‌فردی با والدین (مطالعه موردی: دختران و پسران نوجوان دوره متوسطه ساکن شهر تهران)، مطالعات جامعه‌شناسی، ۱۲ (۴۵)، ۷۷-۱۰۴.
- حافظی، علیرضا (۱۳۹۶)، بررسی لحاظ‌شدن مؤلفه‌های تربیت دینی در مجلات رشد کودک: مطالعه‌ای براساس تحلیل محتوا، تربیت اسلامی، ۱۲ (۲۴)، ۱۳۹-۱۵۰.
- حاکمی، محسن؛ حیدری‌پور، محمد؛ تاجیک، هاجر (۱۴۰۰)، بررسی مفهوم زمان براساس آرای ابن‌سینا در نسبت با مطالعات آینده‌پژوهی، آینده‌پژوهی انقلاب اسلامی، ۲ (۱)، ۶۳-۷۸.
- حیدری‌پور، محمد؛ حاکمی، محسن (۱۳۹۹)، بررسی کاربست مفهوم فلسفی زمان در آینده‌پژوهی، آینده‌پژوهی انقلاب اسلامی، ۱ (۱)، ۲۰۵-۲۴۰.
- روح‌پرور، زهرا؛ شاه‌علی، شاداب؛ جوادی‌نوری، مژگان (۱۳۹۸)، تبیین ادراکات والدین از چالش‌های تربیت جنسی پسران نوجوان؛ یک مطالعه کیفی، تحقیقات کیفی در علوم سلامت، ۸ (۳)، ۲۶۰-۲۷۰.
- زارعی، فخری؛ صفری، جهانگیر (۱۳۹۸)، تحلیل محتوا و فرم داستان «به کی سلام کنم» با رویکرد جامعه‌شناختی، پژوهش‌نامه ادبیات داستانی، ۸ (۱)، ۲۳-۴۸.
- زودرنج، صدیقه؛ رحمتی، الهام (۱۳۹۴)، تحلیل ادبی درون‌نمایه اصلی داستان یوسف ^(علیه‌السلام) در قرآن کریم، پژوهش‌های ادبی - قرآنی، ۳ (۳)، ۱۴۰-۱۵۹.

- سعیدی رضوانی، محمود (۱۳۹۶)، پیشنهاد راهنمای برنامه درسی تربیت جنسی برای دوره ابتدایی آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران، گزارش پژوهشی مصوب پژوهشکده مطالعات اسلامی در علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، چاپ نشده.
- سعیدی رضوانی، محمود. (۱۳۹۷)، پاره حقیقت‌گویی در تحلیل گفتمان انتقادی تربیت جنسی نظام آموزشی ایران، پژوهش‌نامه مبانی تعلیم و تربیت، ۸ (۱)، ۱۶۰-۱۷۳.
- سعیدی رضوانی، محمود (۱۳۹۹)، تربیت جنسی، دانش‌نامه ایرانی برنامه درسی.
- سعیدی رضوانی، محمود (۱۳۹۹)، نقد سند آموزش ۲۰۳۰ از منظر «دانش مطالعات برنامه درسی»: واقعیت آموزش در سند «توسعه پایدار» ۲۰۳۰؛ فلسفه، تضادها و چالش‌ها. انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- سعیدی رضوانی، محمود (۱۴۰۰)، تقلیل‌گرایی در تربیت و پیچیدگی امر جنسی: چالش میان تربیت حداقلی و حداکثری در امر جنسی، انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- سعیدی رضوانی، محمود؛ غلامی، فاطمه (۱۴۰۰)، بررسی پدیدارشناسانه پیشران‌ها و چالش‌های رعایت عفاف در دانشجویان پسر دانشگاه فردوسی مشهد، مسائل کاربردی تعلیم و تربیت اسلامی، ۶ (۳)، ۳۷-۶۰.
- سعیدی رضوانی، محمود؛ غلامی، فاطمه؛ باقری، حسین (۱۳۹۸)، شایستگی‌های کانونی مری تربیت جنسی، پژوهش‌های برنامه درسی، ۹ (۲)، ۱۶۳-۱۹۹.
- سلطانی، فاطمه (۱۴۰۰)، بررسی کارکرد تعلیمی فانتزی در داستان‌های کودکان و نوجوانان. پژوهش‌نامه ادبیات تعلیمی، ۱۳ (۴۹)، ۴۱-۶۹.
- شرفی، محمود؛ محمودی، سیروس؛ پورخواجه، مانده (۱۳۹۹)، بررسی جایگاه مؤلفه‌های تربیت جهادی در کتاب‌های درسی دوره متوسطه اول، مسائل کاربردی تعلیم و تربیت اسلامی، ۵ (۱۵)، ۳۱-۶۸.
- شیربگی، مریم؛ اسماعیلی، زهره؛ سعیدی پور، بهمن؛ سرمدی، محمدرضا (۱۳۹۹)، طراحی الگوی تربیت جنسی در عصر جهانی شدن با تأکید بر دیدگاه اسلام: با رویکرد نظریه داده‌بنیاد، پژوهش در دین و سلامت، ۶ (۳)، ۱۲۲-۱۳۸.
- صارمی‌نیا، صبا؛ حسن‌زاده، علیرضا؛ الهی، شعبان؛ منتظر، غلامعلی (۱۳۹۷)، توسعه چارچوب مفهومی جهت ره‌نگاری مدیریت دانش سازمانی؛ تحلیل محتوای کیفی، پژوهش‌نامه پردازش و مدیریت اطلاعات، ۳۴ (۱)، ۱۷۱-۲۰۶.
- طهماسب‌زاده‌شیکلار، داود؛ عظیم‌پور، احسان؛ ایمان‌زاده، علی؛ عباس‌زاده، محمد (۱۳۹۹)، شناسایی و روان‌سنجی راهبردهای آموزش تربیت جنسی نوجوانان ۱۲ تا ۱۶ ساله ایرانی براساس دیدگاه معلمان و والدین: پژوهش آمیخته، مطالعات آموزش و یادگیری، ۱۲ (۲)، ۲۳۱-۲۵۳.
- عابدینی‌بلترک، میمنت (۱۳۹۹)، بررسی جایگاه تربیت اخلاقی در کتاب‌های درسی دوره ابتدایی؛ مطالعه‌ای از نوع

- تحلیل محتوا، پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، ۲۸ (۴۸)، ۱۷۱-۱۸۷.
- عجم، علی‌اکبر؛ سعیدی رضوانی، محمود (۱۳۹۱)، چالش در اهداف تربیت دینی (شناخت، عاطفه و عملکرد)، پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، ۲۰ (۱۷)، ۴۹-۷۰.
- عرب بافرانی، محمدرضا؛ عبوضی، محمدرحیم (۱۴۰۰)، مطالعه تطبیقی گونه‌شناسی‌های روش در آینده پژوهی، آینده‌پژوهی انقلاب اسلامی، ۲ (۱)، ۷-۳۶.
- علوی، سیدحمیدرضا؛ حاج‌غلامرضایی، مهناز (۱۳۹۱)، روش‌شناسی آموزش ارزش‌های اخلاقی و دینی، اسلام و پژوهش‌های تربیتی، ۴ (۲)، ۱۰۷-۱۳۲.
- فرع شیرازی، سیدمصطفی؛ عبداللہی نژاد، عبدالکریم؛ سعیدی رضوانی، محمود؛ عابدی سرآسیا، علیرضا (۱۳۹۹)، رهیافتی فقهی بر چیستی حکم تربیت جنسی براساس ادله عام و خاص تربیت، فقه و حقوق خانواده، ۲۵ (۷۳)، ۱۲۹-۱۵۵.
- فرع شیرازی، سیدمصطفی؛ عبداللہی نژاد، عبدالکریم؛ سعیدی رضوانی، محمود؛ عابدی سرآسیا، علیرضا (۱۴۰۰)، سن تأثیرپذیری جنسی در فرزندان، جستارهای فقهی و اصولی، ۷ (۲۴)، ۱۹۱-۲۲۲.
- فقیهی، علی‌نقی (۱۳۹۴)، تربیت جنسی: مبانی، اصول و روش‌ها از منظر قرآن و حدیث، انتشارات دارالحدیث.
- قائدی، محمدرضا؛ گلشنی، علیرضا (۱۳۹۵)، روش تحلیل محتوا، از کمی‌گرایی تا کیفی‌گرایی. روش‌ها و مدل‌های روان‌شناختی، ۷ (۲۳)، ۵۷-۸۲.
- قبادیان، مسلم؛ دهقان، سعید؛ شمخانی، اژدر (۱۳۹۶)، تربیت جنسی کودکان و نوجوانان با رویکرد اسلامی بستری برای پیشگیری از جرائم و انحرافات، تحقیقات حقوقی بین‌المللی، ۱۰ (۳۸)، ۱۶۹-۲۱۰.
- قلناش، عباس؛ محمدجانی، صدیقه (۱۳۹۷)، طراحی چارچوب برنامه درسی تربیت جنسی براساس مبانی تربیت اسلامی، مسائل کاربردی تعلیم و تربیت اسلامی، ۳ (۳)، ۱۰۱-۱۳۰.
- قلاوند، زهره؛ صمدی، پروین؛ احمدی، پروین؛ کشتی‌آرای، نرگس (۱۳۹۹)، شناسایی جایگاه برنامه درسی تربیت جنسی در نظام آموزشی، پژوهش در برنامه‌ریزی درسی، ۱۷ (۴۰)، ۱۱۱-۱۲۹.
- کرپیندورف، کلوس (۱۹۸۰)، تحلیل محتوا مبانی روش‌شناسی، ترجمه ناییبی، هوشنگ، (۱۳۹۰)، انتشارات نی.
- محمدبیگی، رضا؛ فقیهی، علیرضا؛ ناطقی، فائزه؛ جولایی، لیلا (۱۳۹۷)، بررسی برنامه درسی تربیت جنسی در دوره ابتدایی مبتنی بر دیدگاه معلمان و ارائه راه‌کارهای مطلوب از دیدگاه متخصصان، نظریه و عمل در برنامه درسی، ۶ (۱۲)، ۱۴۱-۱۶۶.
- محمدی‌پناه، شیرین؛ آقایی‌بجستانی، مریم؛ کهساری، رضا (۱۴۰۰)، مؤلفه‌های تربیت جنسی کودک از منظر فقه تربیتی، پژوهش‌های اخلاقی، ۱۱ (۴)، ۲۲۳-۲۴۲.
- محمدی‌پویا، سهراب؛ ایمان‌زاده، علی؛ محمدی‌پویا، فرامرز؛ زارعی، احمد (۱۳۹۸)، پدیدارشناختی موانع برنامه

- درسی تربیت جنسی در مقطع متوسطه، دین و ارتباطات، ۲۶ (۱)، ۳۰۳-۳۳۴.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۲)، تعلیم و تربیت در اسلام، جلد ۱، انتشارات صدرا.
- مقدم، مریم (۱۳۹۲)، تحلیل محتوایی بیست سال بازنویسی مثنوی برای کودکان و نوجوانان (۱۳۶۹-۱۳۸۹)، پژوهش زبان و ادبیات فارسی، پیاپی ۲۸، ۸۹-۱۱۰.
- مؤمنی‌راد، اکبر؛ علی‌آبادی، خدیجه؛ فردانش، هاشم؛ مزینی، ناصر (۱۳۹۲)، تحلیل محتوای کیفی در آیین پژوهش: ماهیت، مراحل و اعتبار نتایج، اندازه‌گیری تربیتی، ۴ (۱۴)، ۱۸۷-۲۲۲.
- مهاجری، محمداکظم؛ یاسینی، محمدرضا؛ شریعتی، مسعود (۱۳۹۲)، تفکر انتقادی و نقش داستان در پرورش آن (با رویکرد تربیت‌دینی کودکان). بصیرت و تربیت اسلامی، ۱۰ (۲۶)، ۳۱-۵۳.
- نژادی، کیومرث؛ استادی، رسول؛ گودرزی، غلامرضا (۱۳۹۹)، تحلیل پیکره روش دیدبانی در آینده‌پژوهی و شناخت مدل‌های آن جهت به‌کارگیری در مراکز آینده‌پژوهی، آینده‌پژوهی انقلاب اسلامی، ۱ (۲): ۱۶۱-۱۸۸.
- نیازی، شهریار و محمدی، اویس (۱۳۹۱)، تحلیلی روان‌کاوانه از داستان «سیاه زنگی» از کتاب «شبهه اسب سفید» زکریا تامر، زبان و ادبیات عربی، ۷ (۷)، ۱۷۷-۲۰۶.
- وقوفی، امید (۱۴۰۰)، مقدمه‌ای بر مبانی آینده‌پژوهی اسلامی، آینده‌پژوهی انقلاب اسلامی، ۲ (۲)، ۵۷-۸۹.
- یداله‌فر، محمدجواد و همکاران (۱۳۹۹)، تحلیل برنامه درسی هدیه‌های آسمانی پایه پنجم براساس میزان تأکید بر مؤلفه‌های تربیت معنوی از منظر امام خمینی (رحمه‌الله‌علیه)، پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، ۲۸ (۴۸)، ۱۰۹-۱۲۳.
- یزدانی، سمیه؛ سهرابی‌شگفتی، نادره (۱۳۹۷)، تأثیر آموزش تربیت‌جنسی بر هویت جنسی کودکان ۷ تا ۱۱ سال شهر شیراز، مشاوره کاربردی، ۸ (۲)، ۹۳-۱۰۸.
- Elo, S., Kääriäinen, M., Kanste, O., Pölkki, T., Utriainen, K & Kyngäs, H. (2014). Qualitative Content Analysis: A Focus on Trustworthiness. SAGE Open, January-March: 1 –10. DOI: 10.1177/2158244014522633
- Erlingsson, C & Brysiewicz, P. (2017). A hands-on guide to doing content analysis. African Journal of Emergency Medicine, 7(3): 93-99. <https://hawzah.net/fa/LifeStyle/View/52116/>